



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# جاذبہ

مجموعہ بیانات حضرت امیر مومنین علیؑ علیہ السلام

وہم صلوٰۃ اللہ علیہم اجمعین

پروفیسر مولانا محمد رفیع صاحب، امیر مومنینؑ



جاذبہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جاذبه حسینی

نویسنده:

آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

|    |  |
|----|--|
| ۵  | فهرست  |
| ۸  | جاذبه حسینی  |
| ۸  | مشخصات کتاب  |
| ۹  | اشاره  |
| ۱۳ | مقدمه  |
| ۱۵ | فهرست مطالب  |
| ۱۷ | فصل اول: حضرت زینب(سلام الله علیها)  |
| ۱۷ | اشاره  |
| ۱۹ | آگاهی حضرت زینب کبری(سلام الله علیها) از جوشش خون حسین بن علی(علیه السلام) |
| ۲۱ | حماسه ی حضرت زینب(سلام الله علیها) در حادثه ی عاشورا                       |
| ۲۲ | کلام حضرت زینب سلام الله علیها درباره ی آینده ی کربلا                      |
| ۲۳ | عظمت‌های وداع امام حسین(علیه السلام) و زینب کبری(سلام الله علیها)          |
| ۲۷ | عظمت شخصیت حضرت زینب کبری(سلام الله علیها)                                 |
| ۳۳ | موقعیت شناسی و تکلیف محوری زینب کبری(سلام الله علیها)                      |
| ۳۴ | زینب کبری(سلام الله علیها): الگوی زنان عالم                                |
| ۳۶ | تحمل شجاعانه ی بار امانت   |
| ۳۷ | پاسداری زینب کبری(سلام الله علیها) از اسلام                                |
| ۳۸ | زینب کبری(سلام الله علیها): الگوی همیشگی                                   |
| ۴۰ | زینب کبری(سلام الله علیها)؛ بنیانگذار بنای حفظ حوادث با هنر                |
| ۴۲ | حفظ یاد عاشورا با تلاش امام سجاد(علیه السلام) و زینب کبری(سلام الله علیها) |
| ۴۳ | دهه ی آخر صفر؛ دهه ی زینب کبری(سلام الله علیها)                            |
| ۴۷ | زینب(سلام الله علیها)؛ عامل پیروزی خون بر شمشیر                            |
| ۴۸ | عظمت خطبه ی تاریخی حضرت زینب(سلام الله علیها)                              |
| ۵۰ | عظمت زینب کبری(سلام الله علیها)  |

|    |  |
|----|--|
| ۵۱ | فصل دوم: اربعین  |
| ۵۱ | اشاره  |
| ۵۳ | اربعین؛ پایه گذاری سنت زیارت و احیای یاد کربلا         |
| ۵۵ | انقلاب اسلامی؛ تجربه ی دوباره ی پیروزی خون بر شمشیر    |
| ۵۷ | اربعین؛ امتداد حرکت عاشورا                             |
| ۵۹ | اربعین؛ پایه گذاری یاد نهضت حسینی                      |
| ۶۲ | ذکر مصیبت در اربعین سیدالشهدا(علیه السلام)             |
| ۶۴ | گسترده‌گی روزافزون زیارت کربلا                         |
| ۶۶ | اربعین؛ اولین جوشش چشمه های محبت حسینی                 |
| ۶۷ | اربعین؛ شروع جاذبه ی مغناطیس حسینی                     |
| ۷۰ | اربعین؛ شروع انتشار پیام کربلا                         |
| ۷۰ | سکوت مرگبار؛ نتیجه ی اختناق یزیدی پس از عاشورا         |
| ۷۱ | اربعین؛ اولین جوشش برای شکستن فضای اختناق              |
| ۷۳ | وظیفه ی همگانی در زنده نگه داشتن خاطرات عزیز و اثرگذار |
| ۷۴ | نقش گردهمایی اربعین به عنوان بزرگترین گردهمایی جهان    |
| ۷۶ | راهپیمایی عظیم اربعین؛ از مظاهر بروز عزم و همت ملی     |
| ۷۷ | فصل سوم : شرح زیارت اربعین                             |
| ۷۷ | اشاره  |
| ۷۹ | هدف و فلسفه ی قیام                                     |
| ۸۱ | شرح بخشی از زیارت اربعین                               |
| ۸۲ | خلاصه ی نهضت حسینی                                     |
| ۸۵ | نتیجه ی قیام؛ حکومت یا شهادت                           |
| ۸۶ | درخشش روز افزون اباعبدالله(علیه السلام)                |
| ۸۷ | جهل و زبونی؛ ریشه ی مشکلات امروز بشریت                 |
| ۸۹ | معنویت، عزت و عبودیت مطلق در تمام لحظات قیام حسینی     |
| ۹۰ | ثمره ی زنده نگه داشتن پیام عاشورا                      |

|     |  |
|-----|--|
| ۹۱  | فلسفه ی به همراه بردن خاندان، توسط امام حسین (علیه السلام) |
| ۹۳  | فهرست تفصیلی   |
| ۱۱۰ | منابع و مأخذ   |
| ۱۱۶ | درباره مرکز  |

سرشناسه : خامنه ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -

عنوان قراردادی : آفتاب در مصاف . برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : جاذبه ی حسینی [کتاب]: گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی در دو موضوع حضرت زینب کبری .../ به کوشش موسسه فرهنگی لوح و قلم.

مشخصات نشر : تهران : موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی" انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۹۶ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک : ۵۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۹۰-۱

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : کتاب حاضر برگرفته از کتاب "آفتاب در مصاف" اثر سیدعلی خامنه ای است.

یادداشت : کتاب آفتاب در مصاف نخستین بار با عنوان "عبرتهای عاشورا" منتشر شده است

یادداشت : چاپ دوم.

عنوان دیگر : عبرتهای عاشورا.

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره عاشورا

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- اربعین

موضوع : زینب (س) بنت علی (ع)، ۶ - ۶۲ ق.

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ ق -- تاثیر

موضوع : Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, ۶۸۰ -- Influence



شناسه افزوده : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - . آفتاب در مصاف

شناسه افزوده : موسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، گردآورنده

شناسه افزوده : موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی". انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره : DSR۱۶۹۲/ع۲ع۱ع۲۰۱/۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۴۷۳۳۵

ص: ۱

**اشاره**



جاذبه ی حسینی

گزیده ی بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّ ظلّه العالی)

رهبر معظم انقلاب اسلامی

در دو موضوع حضرت زینب کبری سلام الله علیها و اربعین حسینی



ص: ۳۰



مجموعه‌ی حاضر، رهنمودهای ارزشمند رهبر معظم انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ در دو موضوع «زینب کبری (سلام الله علیها)» و «اربعین» است که از کتاب مرجع امام حسین (علیه السلام) تحت عنوان «آفتاب در مصاف» استخراج گردید، و با چکیده نگاری و تیتربندی مطالب در اختیار مخاطبان محترم قرار میگیرد.

با عنایت به این که ایام پایانی ماه صفر در لسان مقام عظمای ولایت به عنوان روزهای زینب کبری معرفی گردیده و از سوی دیگر این ایام، مزین به مناسبت اربعین سیدالشهدا (علیه السلام) است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، آغاز دلربایی حسینی (علیه السلام)، احیای یاد کربلا و پایه گذاری یاد نهضت حسینی است، در این مجموعه سعی شده است که مطالب مرتبط با هر دو موضوع، تدوین و در آستانه این ایام به زینت طبع آراسته گردد. ناگفته پیداست که بخش معظمی از محتوای این دو موضوع ارتباط مفهومی صریح و کاملی با یکدیگر دارند، بنابراین تجمیع و ارائه آنها در یک مجموعه حائز اولویت بوده است.

کتاب حاضر در سه فصل «زینب کبری (سلام الله علیها)»، «اربعین» و «شرح فرازهایی از زیارت اربعین» و به شیوه‌ی سیر تاریخی تدوین گردیده است. توضیح اینکه در هر فصل، سخنرانی‌های مرتبط با موضوع به ترتیب تاریخ

بیانات و با حذف مطالب غیر مرتبط احتمالی و همچنین با درج تیرهای مبین شاکله ی کلی بیانات و چکیده های محتوا ارائه گردیده اند.

امید آنکه اثر حاضر موجبات بهره مندی هرچه بیشتر و بهتر پیروان ولایت را از رهنمودهای آن مقام شامخ فراهم آورد. در پایان، از مسئولان و پژوهشگران مؤسسه حدیث لوح و قلم که در تألیف این اثر کوشیده اند، تشکر و قدردانی می نمایم.

ص: ۶

## فهرست مطالب

|   |    |
|---|----|
| فصل اول: حضرت زینب (سلام الله علیها).....   | ۹  |
| آگاهی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) از جوشش خون حسین بن علی (علیه السلام)..... | ۱۱ |
| حماسه‌ی حضرت زینب (سلام الله علیها) در حادثه‌ی عاشورا.....                        | ۱۳ |
| کلام حضرت زینب سلام الله علیها درباره‌ی آینده‌ی کربلا.....                        | ۱۴ |
| عظمت‌های وداع امام حسین (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها).....          | ۱۵ |
| عظمت شخصیت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها).....                                  | ۱۹ |
| موقعیت‌شناسی و تکلیف محوری زینب کبری (سلام الله علیها).....                       | ۲۵ |
| زینب کبری (سلام الله علیها): الگوی زنان عالم.....                                 | ۲۶ |
| تحمل شجاعانه‌ی بار امانت.....   | ۲۸ |
| پاسداری زینب کبری (سلام الله علیها) از اسلام.....                                 | ۲۹ |
| زینب کبری (سلام الله علیها): الگوی همیشگی.....                                    | ۳۰ |
| زینب کبری (سلام الله علیها): بنیانگذار بنای حفظ حوادث با هنر.....                 | ۳۲ |
| حفظ یاد عاشورا با تلاش امام سجاد (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها)..... | ۳۴ |
| دهه‌ی آخر صفر: دهه‌ی زینب کبری (سلام الله علیها).....                             | ۳۵ |
| زینب (سلام الله علیها): عامل پیروزی خون بر شمشیر.....                             | ۳۹ |
| عظمت خطبه‌ی تاریخی حضرت زینب (سلام الله علیها).....                               | ۴۰ |
| عظمت زینب کبری (سلام الله علیها).....   | ۴۲ |
| فصل دوم: اربعین.....  | ۴۳ |
| اربعین: پایه‌گذاری سنت زیارت و احیای یاد کربلا.....                               | ۴۵ |
| انقلاب اسلامی: تجربه‌ی دوباره‌ی پیروزی خون بر شمشیر.....                          | ۴۷ |
| اربعین: امتداد حرکت عاشورا.....   | ۴۹ |

|    |   |
|----|---|
| ۵۴ | ذکر مصیبت در اربعین سیدالشهدا (علیه السلام).....                |
| ۵۶ | گسترده‌گی روزافزون زیارت کربلا.....                             |
| ۵۸ | اربعین؛ اولین جوشش چشمه‌های محبت حسینی.....                     |
| ۵۹ | اربعین؛ شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی.....                         |
| ۶۲ | اربعین؛ شروع انتشار پیام کربلا.....                             |
| ۶۲ | سکوت مرگبار؛ نتیجه‌ی اختناق یزیدی پس از عاشورا.....             |
| ۶۳ | اربعین؛ اولین جوشش برای شکستن فضای اختناق.....                  |
| ۶۵ | وظیفه‌ی همگانی در زنده نگه‌داشتن خاطرات عزیز و اثرگذار.....     |
| ۶۶ | نقش گردهمایی اربعین به عنوان بزرگترین گردهمایی جهان.....        |
| ۶۸ | راهپیمایی عظیم اربعین؛ از مظاهر بروز عزم و همت ملی.....         |
| ۶۹ | فصل سوم: شرح زیارت اربعین.....                                  |
| ۷۱ | هدف و فلسفه‌ی قیام.....   |
| ۷۳ | شرح بخشی از زیارت اربعین.....                                   |
| ۷۴ | خلاصه‌ی نهضت حسینی.....   |
| ۷۷ | نتیجه‌ی قیام؛ حکومت یا شهادت.....                               |
| ۷۸ | درخشش روز افزون اباعبدالله (علیه السلام).....                   |
| ۷۹ | جهل و زبونی؛ ریشه‌ی مشکلات امروز بشریت.....                     |
| ۸۱ | معنویت، عزت و عبودیت مطلق در تمام لحظات قیام حسینی.....         |
| ۸۲ | ثمره‌ی زنده نگه‌داشتن پیام عاشورا.....                          |
| ۸۳ | فلسفه‌ی به همراه بردن خاندان، توسط امام حسین (علیه السلام)..... |
| ۸۵ | فهرست تفصیلی.....   |
| ۹۴ | منابع و مأخذ.....   |



## فصل اوّل: حضرت زينب (سلام الله عليها)

اشاره

ص: ۹



## آگاهی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) از جوشش خون حسین بن علی (علیه السلام)

زینب کبری (سلام الله علیها) وقتی بدن پاره پاره شده ی برادر را در آن قبله گاه عشق و محبت و فداکاری و مجاهدت، بر روی زمین افتاده دید، دستها را زیر بدن برد و سر را به طرف آسمان بلند کرد و فریاد زد: «بارالها! این قربانی را از ما قبول کن».<sup>(۱)</sup>

او میدانست خاطره ی آن خون جوشنده، سیلاب شهادت و فداکاری را در طول تاریخ، در سرزمین دل انسانهای مسلمان به راه خواهد افکند، و افکند. از روز دهم محرم \_ عاشورا \_ این موج خروشان همچنان در طول تاریخ ادامه داشته است.

بر اثر خون شهیدان، قدرتهای طاغوتی بسیاری سرنگون شد. قدرت طاغوتی بنی امیه و قدرتهای بسیاری از بنی عباس، با تکان شدید این طوفان بنیان افکن ستم، بکلی نابود و ویران شد. حکومتهای بسیاری در سرزمینهای اسلامی پدید آمد و اسلام ماند و تشیع به عنوان رگه ی پُرتپش و هیجان آفرین اسلام باقی ماند.

هرچه حکومتهای طاغوتی در توان داشتند، کوشیدند؛ اما از صد سال

ص: ۱۱

پیش تا امروز، از روزگار سیدجمال الدین اسدآبادی و میرزا حسن شیرازی- آن علمای بزرگ دین \_ تا روزگار علمای بزرگی که جنبش مشروطیت را پی ریختند، و تا روزگار میرزا کوچک خان جنگلی \_ آن روحانی بزرگوار، آن چریک اسلامی و آن بنیانگذار جنبش مسلحانه در ایران \_ و تا روزگار سیدحسن مدرس و شهید نواب صفوی و فداییان اسلام، و تا نهضت ملی و تالاله زار خونین پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، همه جا نبض خون حسین (علیه السلام) بود که میتپید و قلب شهیدان بود که میزد و پیکر عظیم جامعه ی اسلامی را به حرکت و تلاش درمی آورد. (۱)

ص: ۱۲

---

۱- بیانات در ۱۰/۱/۱۳۵۹

## حماسه ی حضرت زینب(سلام الله علیها) در حادثه ی عاشورا

در عاشورای حسین (علیه السّلام)، بعد از آنکه جوانان بنی هاشم همه با اجساد قلم قلم شده روی زمین افتادند، بعد از آنکه زینب(سلام الله علیها) خواهر حسین و آئینه ی حسین(علیه السّلام)، همه ی این داغها و دردها را برای خدا تحمّل کرد، در آن آخرین لحظات به گودال قتلگاه آمد، پیکر مجروح و زخم خورده و پاره پاره شده ی حسینش را پیدا کرد، دست زیر بدن حسین(علیه السّلام) برد، بدن حسین(علیه السّلام) را به خدا عرضه کرد و گفت: «خدایا! این قربانی را از ما قبول کن»(۱). (۲)

ص: ۱۳

---

۱- مقتل الحسین، مقرّم، ص ۳۲۲.

۲- بیانات در ۱۷/۶/۱۳۵۹

## کلام حضرت زینب سلام الله علیها درباره ی آینده ی کربلا

همان طور که زینب کبری (سلام الله علیها) عصر عاشورا و شب یازدهم، میان آن همه شدت و محنت، دست و پای خودش را گم نکرد و مأیوس نشد، ما هم امروز مأیوس نیستیم و نباید باشیم.

همان عصر عاشورا بنا به نقل بعضی از روایات زینب (سلام الله علیها) به برادرزاده ی خودش علی بن الحسین (علیه السلام) گفت: ای برادرزاده ی من! اوضاع این گونه نمیماند؛ این قبرها آباد خواهد شد، این پرچم برافراشته خواهد شد، مردم و ملتها و نسلها، گروه گروه می آیند و از اینجا درس میگیرند و برمیگردند. [\(۱\)](#) اینجا مدرس آزادی خواهان عالم خواهد شد، و شد. آن روز این امید، آینده را نشان میداد. [\(۲\)](#)

ص: ۱۴

---

۱- کامل الزیارات، ص ۴۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۸۲.

۲- در دیدار جمع کثیری از خانواده های شهدای تهران و حومه، ۲۲/۸/۱۳۶۳.

## عظمت‌های وداع امام حسین (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها)

لحظات وداع حسین بن علی (علیه السلام) با زینب کبری (سلام الله علیها) است؛ یعنی خواهر و برادری که اینقدر با هم مانوس بودند، اینقدر به هم محبت داشتند، حالا از هم جدا می‌شدند. واقعاً این لحظه‌ها را انسان دقت بکند، می‌بیند چقدر با عظمت است. منهای جنبه‌های گریه آور و تأثرانگیز، دقت در جنبه‌های روانی این ماجرا، انسان را دچار حقارت می‌کند؛ آدم احساس می‌کند در مقابل آن همه عظمت، ما چه هستیم؟ آن عظمتها را ببینید. این خواهر و برادری که اینقدر به هم محبت دارند؛ طبیعی هم هست. خانواده‌ای با دو تا برادر، یکی دو تا خواهر، دردهایشان با هم، رنجهایشان با هم، شادیهایشان با هم، فقدان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را با هم درک کردند، ناراحتی از دست دادن مادر را با هم کشیدند، پدر را با هم از دست دادند؛ حالا از آن جد و آن مادر و آن پدر و آن برادران، برای زینب (سلام الله علیها) فقط یک اباعبدالله (علیه السلام) \_ یک برادر \_ مانده است.

طبیعی است همه‌ی محبت‌هایی که به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و به مادر و به آن برادر داشت، در این برادر متمرکز بشود. طبیعی است که زینب (سلام الله علیها) و امام حسین (علیه السلام) که بازماندگان آن خانواده‌ی کوچک پرماجرا و پررنج دوران تاریخ اسلامند، محبت‌هایشان در

هم خلاصه شود؛ یعنی آنقدر همدیگر را دوست بدارند که این همه دوستی از یک خواهر و برادر، معمول نیست. لذا زینب کبری (سلام الله علیها) بلند شد با سیدالشهدا (علیه السلام) آمد. میشد نیاید، میشد در این سفر برادر را همراهی نکند؛ میشد وقتی می آید، بچه ها و فرزندان خردسال خودش را نیاورد؛ اما آورد. یعنی به هیچ رو زینب (سلام الله علیها) نمیتواند کاری بکند که اندکی او را از حسین (علیه السلام) جدا کند.

بعد هم به این سفر آمدند. البته سفر خطرناکی بود. از اول هم که حرکت میکردند، از کلمات امام حسین (علیه السلام) معلوم بود سفر خطرناکی است. اما وقتی انسان مرگ عزیزش را می بیند، جسد او را هم می بیند، میخواهد باور نکند این مرده است. چنانچه عزیز انسان مجروح است، در جبهه است، در تهدید است، انسان میخواهد هرطور ممکن است، به خودش بقبولاند عزیزش را از دست نخواهد داد. با اینکه آخر سفر دیده میشد، سفر سختی بود، اما زینب کبری (سلام الله علیها) میخواست به خودش بقبولاند که حسین عزیزش را از دست نخواهد داد. در مثل شب عاشورا زینب کبری (سلام الله علیها) شنید امام حسین (علیه السلام) در خیمه ی خودش در حالی که مشغول اصلاح شمشیرش هست، آن اشعار سوزناک را میخواند:

«یا دهر أفُّ لک من خلیلٍ

کم لک فی الإِشراق و الأُصیلٍ»

یعنی ای روزگار! چه بد دوست و محبوبی هستی تو. با اینکه تو را همه دوست میدارند، اما دوست بدی هستی؛ اف بر تو. چقدر شب و روز گذراندی و بعدها که ما نیستیم، چقدر شب و روز خواهی گذراند. چقدر بی وفا هستی. این اشعار را امام حسین (علیه السلام) داشت زمزمه میکرد و وصف الحال میخواند. وقتی ز شنید و فهمید مسئله جدی است و حسین عزیزش احتمالاً در همین نزدیکیها و زودیها از دستش میرود، در نوشته ها و نقلهای مقاتل آمده است آن چنان صیحه ای زد و آن چنان حالش دگرگون شد که امام حسین (علیه السلام) مجبور شد خودش را برساند و او را محافظت



کند. آن وقت زینب کبری (سلام الله علیها) در آن لحظه گفت:

«ألیوم ماتت أمی فاطمه و أبی علی و أخی الحسن»؛<sup>(۱)</sup>

حسین عزیز من! امروز مادرم فاطمه و پدرم علی و برادرم حسن را از دست دادم. یعنی الان همه چیز برای من دارد تمام میشود که میفهمم تو را از دست خواهم داد. ببینید این چه محبتی است. با یک چنین محبتی و این اندازه سختی جدایی از برادر در آن لحظه ی وداع،<sup>(۲)</sup> زینب کبری (سلام الله علیها) با آن شرایط تهدیدآمیز می بیند برادرش آمده از او خداحافظی میکند برای اینکه به میدان برود و دیگر برنگردد.

یک طرف، این محبتها و احساس غربت و تنهایی در نبودن آن عزیز، یک طرف، مسئولیت سنگینی که زینب کبری (علیه السلام) بر دوش خواهد گرفت. تا حالا به برادر متکی بود، اما حالا که امامش را از دست میدهد و برادر از سرش سایه برمیچیند، تمام این مسئولیتها به عهده ی اوست و اوست که باید این کاروان را هدایت و رهبری کند.

می بینید چقدر لحظه ی حساسی است. در چنین لحظه ای، معلوم است زینب کبری (علیه السلام) چه حالی و چه خصوصیتی خواهد داشت. اگر دقت کنیم، اگر تأمل کنیم، این لحظات حساس برای ما درسهای بسیار بزرگی خواهد بود...

من میخواهم بگویم ما در تمام لحظات این انقلاب، قبل و بعد از پیروزی، باید در تمام لحظات، یاد امام حسین (علیه السلام) را برای تسلی و درس در ذهن و دل خودمان داشته باشیم؛ همچنان که در گذشته داشتیم. حسین بن علی (علیه السلام)، آن روز آن مجاهدت و شهادت بزرگ را برای برپا کردن همین نظام اسلامی انجام داد و ما امروز به برکت خون شهیدان تاریخ،

ص: ۱۷

---

۱- الإرشاد، ج ۲، صص ۹۳-۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، صص ۱-۲. با کمی اختلاف: الکامل، ج ۴، صص ۵۸-۵۹.  
۲- تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۲۱؛ مناقب آل أبی طالب، ج ۳، ص ۲۵۷؛ جلاء العیون، ص ۲۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۷.

از صدر اسلام تا امروز و شهدای زمان خودمان، توانستیم این نظام قرآنی را سر پا کنیم. باید تلاش کنیم، باید جان هایمان را سرمایه ی این حرکت عظیم قرار بدهیم. امروز بحمدالله به برکت همین مجاهدت ها، نظام اسلامی میتواند افتخار کند و ادعا کند که دنباله رو حسین بن علی (علیه السلام) است. ما همیشه روضه میخواندیم، گریه میکردیم، سینه میزدیم، نوحه میخواندیم و یاد امام حسین (علیه السلام) را گرامی میداشتیم؛ اما ملت ما و امت ما هیچ وقت مثل امروز نمیتوانسته ادعا کند شیعه ی امام حسین (علیه السلام) است. امروز روح عاشورا در سرپای ملت ما وجود دارد. (۱)

ص: ۱۸

---

۱- در جمع هیئت عزاداران پالایشگاه تهران، ۴/۷/۱۳۶۴.

## عظمت شخصیت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

شما زینب کبری (سلام الله علیها) را در نظر بگیرید؛ واقعاً ابعاد شخصیت حضرت زینب را چند جمله ترسیم کرد؛ حتی حکایت آن در جملات فراوان، در شعرهای طولانی ممکن نیست. کسی باید آن شرایط را ببیند، لمس کند، اوضاع و احوال جامعه را هم بداند؛ کاری را هم که زینب (سلام الله علیها) کرد، درک کند تا بفهمد زینب (سلام الله علیها) چقدر عظمت داشته است. از دور و با زبان و با اشاره و با این حرفها حق زینب کبری (سلام الله علیها) ادا شدنی نیست. حالا شما اوج شخصیت یک زن را ببینید؛ زنی است که میدانند این جمع برای یک جهاد بی فرجام میرود - بدون یک فرجام دنیایی و ظاهری - در عین حال با اینها حرکت میکند، یعنی از خطر استقبال میکند. در این سفر هرچه هست، خطر و دشواری است. علاوه بر خطر و دشواری، یک چیز مهمتر هست که از زحمتهای شخصی خیلی بیشتر است، و آن عبارت است از مسئولیت.

زینب (سلام الله علیها) میدانند اگر برادرش حسین بن علی (علیه السلام) را از میان این جمع بردارند، دیگر کسی نیست شایسته رهبری و سرپرستی و اداره ی این جمع باشد؛ جمعی که یک سرنوشت بسیار تلخ و دشوار و پیچیده ای در انتظار آن است. در عین حال دل به دریا میزند و نه مثل یک زن برجسته،

که مثل یک مرد سرآمد با ظرفیت علوی، مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مثل پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، مثل خود امام حسین (علیه السلام)، در این حد ظرفیت نشان می‌دهد و وارد این میدان بسیار پیچیده و دشوار می‌شود. بعد در تمام مراحل، نقش یک حکیم شجاع قدرتمند پرجذبه ی قاطع را تا آخر ایفاء می‌کند؛ گویی برنامه ای را در ذهنش از پیش طراحی کرده و قدم به قدم طبق این برنامه حرکت می‌کند؛ با حوادث، غافلگیرانه مواجه نمی‌شود. گویی از پیش، همه ی حوادث را پیش بینی کرده، دیده، برنامه ریزی کرده، میدانسته (۱) و برای هر حادثه ای پاسخش را و عمل مناسبش را در دست داشته و طبق آن هم عمل می‌کرده است. مثلاً شب عاشورا، صبح عاشورا، عصر عاشورا، شب یازدهم، هنگام آتش گرفتن خیمه ها، هنگام خروج از کربلا با گروهی زن و بچه ی بی سرپرست و یک برادرزاده ی بیمار ناتوان از نشستن و ایستادن؛ در چنین شرایطی و در تمام این حالات، این گونه بود.

یکی از این تجربه هایی که زینب (سلام الله علیها) در یک شبانه روز برایش پیش آمد، اگر در زندگی یک انسان پیش بیاید و انسان بتواند بموقع تصمیم بگیرد و بجا و درست عمل کند، جا دارد که آن را لوح افتخار کنند و در تاریخ ثبت کنند. چند حادثه ی مهم در زندگی این زن بزرگ در مدت کوتاهی پیش می آید و همه ی اینها را آن چنان حکیمانه و قوی علاج می‌کند و با آن برخورد می‌کند که انسان متعجب می‌شود.

شما ببینید آدم وقتی غمی دارد، کار روزمره ی خودش را هم نمیتواند انجام بدهد. آدم وقتی نگرانی دارد، مشکلی دارد، کوهی روی دل انسان نشسته؛ همین نماز را هم که میخواهد بخواند، نشاط ندارد؛ با دوستش، با رفیقش، در مجلس انس اگر شرکت بکند، نشاط ندارد، حال ندارد و نمیتواند کاری انجام بدهد. آن وقت یک انسانی با آن همه اندوه، با کوههای سنگین غم، با دیدن آن شهادتها، آن سختیها، فرزندانش شهید شدند، برادرهایش

ص: ۲۰

---

۱- کامل الزیارات، صص ۴۴۴-۴۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۸، صص ۵۵-۶۱.

شهید شدند، جوانها شهید شدند، خانواده شان زیر و رو شده، (۱) آن حادثه ی تلخ برایشان پیش آمده، در همه ی دنیا چشمی نگران و گریان آنها نیست؛ چنین غم بزرگ، چنین حادثه ی سنگین و کوبنده که انسانهای بزرگ را در هم میپیچد، آن وقت دهها حادثه ی آن چنان سنگین و تلخ برای یک زن پیش می آید و او نه فقط خرد نمیشود، ناتوان از تصمیم گیری نمیشود، بلکه به بهترین وجه، اوضاع و احوال را اداره میکند و این کشتی را که در تلاطم امواج، تکه تکه شده، خرد شده؛ با کمال قدرت و مهارت هدایت میکند، حفظ میکند، کنترل میکند و به سر منزل میرساند؛ این عظمت زینب (سلام الله علیها) است.

شما با مادر شهید امروز قیاس نکنید. مادر شهید عزیزانش را در راه خدا داده، اما میلیونها انسان، میلیونها چشم، با تحسین به او نگاه میکنند و جامعه او را در اوج افتخار می نشانند. وضعیّت زینب کبری (سلام الله علیها) این گونه نبود. یک نفر در سرتاسر این جامعه نبود که جرأت داشته باشد به او بگوید: آفرین، مرحبا، بارک الله، دستتان درد نکند، سرتان سلامت باشد.

در چنین دنیای سختی، همان قدر که شهادت حسین (علیه السّلام) ممتاز بود و با همه ی شهادتها از صدر اسلام تا امروز فرق داشت و هیچ روزی، نه زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، نه زمان امیرالمؤمنین (علیه السّلام)، نه زمان ما، با روز عاشورا قابل مقایسه نیست؛ حرکت زینب (سلام الله علیها) هم همان قدر عظمت داشت.

عظمت زینب (سلام الله علیها) فقط صبر او نیست؛ عظمت زینب (سلام الله علیها) در جمع شدن تمام خصوصیات برجسته ی یک انسان بزرگ و شخصیت های عظیم تاریخ در این زن است که در این چند روز از روزهای آخر دهه ی محرم

ص: ۲۱

تا برگشتن به مدینه که بار را تحویل داد و مسئولیت او تمام شد \_ در این یکی دو ماه \_ (۱) عظیم ترین حوادث را با بهترین و حکیمانه ترین وجهی اداره کرده است؛ او یک انسان ممتاز است.

شما بین رهبران عالم، بین این شخصیت های بزرگ تاریخ، بین زنان بزرگ تاریخ، چه کسی را پیدا میکنید که اینقدر عظمت از خود نشان داده باشد؟

حالا- من میخواهم نتیجه بگیرم. این زینب کبری (سلام الله علیها) است که بیان من خیلی کمتر از این است که بتواند آن چهره ی والا و عظیم الشان و منور و فرشته صفت را ترسیم کند. حالا این زن محصول چیست؟ مخصوص چه زمانی است؟ این را توجه کنید. این حوادث، شصت سال بعد از هجرت اتفاق افتاده است؛ شصت، هفتاد سال بعد از ظهور اسلام.

ظهور اسلام همزمان است با آن دورانی که زن در نهایت انحطاط و بدبختی، فساد و ذلت و ناتوانی غوطه ور بوده است. نه فقط در منطقه ی عرب نشین، در همه جا؛ در ایران هم همین طور بوده است، در روم هم این گونه بوده است؛ دو امپراتوری بزرگ دنیا، دو جامعه ی متمدن آن روز. بالاترین مقامی که زن در این جوامع داشته، این بوده که یک کالای لوکس و یک عروسک زیبا برای قدرتمندان جامعه باشد. این، آن سطح بالا و اوج پرواز زن بوده است. حالا آن زنی که کنیز میشد، آن زنی که زنده به گور میشد، آن زنی که در خانواده و بستگان، عنصری زیادی به شمار می آمد که هیچ. آن زنی که بالا میرفت و اوج میگرفت و در بالا-ترین حدّ یک زن در دنیای آن روز قرار میگرفت، زنی بود که برای جمالش یا یک ظرافتی یا یک هنری، مطبوع طبع و منظور نظر یک آدم قدرتمند پولداری، یک سلطانی، یک امپراتوری قرار میگرفت. او این زن را از عمق ذلت بالا میکشید. همان طور که یک عروسک زیبا را که هیچ ارزشی هم ندارد، یک

ص: ۲۲

جسم بی جانی است، وقتی زیبا است، با پول گزافی میخرند، می آورند سر طاقچه می نشانند؛ همین طور این زن را می آورد در صدر هم می نشانند. البته همان خانم گاهی دستور میداد، وزیر مجبور بود به حرف او گوش فرا بدهد؛ اما این از شخصیت آن خانم نبود؛ برای شخصیت مردی بود که این زن منظور نظر او قرار گرفته بود؛ اما دانش، بینش، اخلاق، اوج معنویت، تحوّل درونی، شخصیت انسانی والا، ابد! از آن چنان جامعه ای، در میان آن چنان وضعی، تحوّل اسلامی، زنی مثل زینب (سلام الله علیها) را پدید آورد و امروز همان معجزه را اسلام میتواند انجام بدهد.

امروز دنیای موجود، البته با جاهلیت زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تفاوت های زیادی دارد؛ هیچ حرفی در این نیست. امروز زنان بزرگ، متفکر، اندیشمند، عالم، با اخلاق و خوب در دنیا زیادند؛ در این حرفی نیست؛ اما نگاه فرهنگ و تمدن رایج دنیا به زن، آن نگاه نیست. شما بروید از با فرهنگ ترین انسانهایی که در محیط های غربی زندگی میکنند، پرسید؛ ببینید از کدام بیشتر خوشش می آید؟ از آن زن عالم فاضل مخترع مکتشف توانا برای اختراع یک معجزه علمی، اما بی هیچ یک از جدایتهای زن غربی پسند، یا یک خانم بیسواد بی فرهنگ، اما دارای آن جدایتهای یک ستاره؟ ببینید کدام را در وجدان خودش ترجیح میدهد؟ این حقیقت تلخی است که امروز دنیا به آن دچار است. زن در فرهنگ غربی، قیمت واقعی خودش را ندارد؛ برای زن، خودنمایی و جلوه گری و زیبایی فروشی، یک شرط حتمی شخصیتی است.

آنهايي که به حجاب و به جدایی مرز معاشرت زن و مرد بشدت اعتراض میکنند، یکی از مهمترین حرفهایشان این است که شما زن را محدود میکنید؛ نمیگذارید زیباییهای خودش را در معرض دید افراد قرار بدهد. زن، زیباست؛ میخواهد زیبایی خودش را نشان بدهد؛ میخواهد جاذبه های خودش را در منظر دید افراد بگذارد. این یک حرف پذیرفته

شده در دنیاست که باید زن جاذبه های خودش را در دید مردان بگذارد. این معنایش چیست؟ آیا این نیست که در ذات آن فرهنگ اروپایی، همان برداشت قدیمی و باستانی تمدن رومی از زن، مستتر است و وجود دارد؟ زن هنوز همان است؛ اسلام اینجا راه پیدا نکرده است.

در دیدگاه فرهنگ غربی، با همه ی این هیاهویی که راه می اندازند و با همه ی این بوق و طبلی که برای زن و حقوق زن زدند و میزنند، وقتی به اعماق بینش آنها مراجعه میکنید، می بینید در عمق وجدان و احساس خودشان، زن را یک وسیله ی التذادی برای مرد میخوانند؛ نه زن را برای همسر خودش، جنس زن را برای جنس مرد. این بزرگترین اهانت به زن است.

میان این منجلاب فساد فرهنگی، زن مسلمان میتواند سیر بکشد؛ میتواند حضور خود و حقیقت خود و هویت زن اسلامی خود را برای همه آشکار کند. امروز ما میتوانیم امیدوار باشیم همچنان که یک روز اسلام توانست در چنان فضای فرهنگی فاسد و غلطی زنی مثل زینب(سلام الله علیها) را به وجود آورد، که الگو و نمونه ی یک انسان بزرگ است \_ و نه فقط یک زن برجسته \_ امروز هم تعالیم اسلام و فرهنگ اسلامی میان این جنجال غوغاگرانه ی جوسازانه ی غرب، نمونه ی یک زن مسلمان کامل و بزرگ را میتواند به وجود بیاورد؛ و ما به این احتیاج داریم. امروز دنیا احتیاج دارد به اینکه زن مسلمان، هویت و حقیقت فرهنگی خودش را نشان بدهد. (۱)

ص: ۲۴

---

۱- در دیدار عده ای از پرستاران و گروه هایی از خواهران به مناسبت روز پرستار، ۱۵/۱۰/۱۳۶۵.



## موقعیت‌شناسی و تکلیف محوری زینب کبری (سلام الله علیها)

ولادت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) ایجاب میکند که ما دایره‌ی بحث را، بخصوص در شرایط کنونی بشریت، وسیع تر قرار بدهیم. زینب کبری (سلام الله علیها) یک زن بزرگ است. عظمتی که این زن بزرگ در چشم ملت‌های اسلامی دارد، از چیست؟ نمیشود گفت به خاطر این است که دختر علی بن ابی طالب (علیه السلام)، یا خواهر حسین بن علی (علیه السلام) و حسن بن علی (علیه السلام) است. نسبتها هرگز نمیتوانند چنین عظمتی را خلق کنند. همه‌ی ائمه‌ی ما، دختران و مادران و خواهرانی داشتند؛ اما کو یک نفر مثل زینب کبری (سلام الله علیها)؟

ارزش و عظمت زینب کبری (سلام الله علیها) به خاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی است. کار او، تصمیم او، نوع حرکت او، به او این طور عظمت بخشید. هر کس چنین کاری بکند، ولو دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم نباشد، عظمت پیدا میکند.

بخش عمده‌ی این عظمت از اینجاست که اولاً موقعیت را شناخت؛ هم موقعیت قبل از رفتن امام حسین (علیه السلام) به کربلا، هم موقعیت لحظات بحرانی روز عاشورا، هم موقعیت حوادث کشنده‌ی بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) را؛ و ثانیاً طبق هر موقعیت، یک انتخاب کرد. این انتخابها،

زینب (سلام الله علیها) را ساخت.

قبل از حرکت به کربلا، بزرگانی مثل ابن عباس و ابن جعفر و چهره های نامدار صدر اسلام که ادعای فقاقت و شهادت و ریاست و آقازادگی و امثال اینها را داشتند، گنج شدند و نفهمیدند چه کار باید بکنند؛ ولی زینب کبری (سلام الله علیها) گنج نشد و فهمید که باید این راه را برود و امام خود را تنها نگذارد؛ و رفت. (۱) نه اینکه نمی فهمید راه سختی است؛ او بهتر از دیگران حس میکرد. او یک زن بود؛ زنی که برای مأموریت، از شوهر و خانواده اش جدا میشود و به همین دلیل هم بود که بچه های خردسال و نوباوگان خود را هم به همراه برد؛ (۲) حس میکرد که حادثه چگونه است.

در آن ساعتهای بحرانی که قوی ترین انسانها نمیتوانند بفهمند چه باید بکنند، او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را برای شهید شدن تجهیز نمود. (۳) بعد از شهادت حسین بن علی (علیه السلام) هم که دنیا ظلمانی شد و دلها و جانها و آفاق عالم تاریک گردید، این زن بزرگ یک نوری شد و درخشید. زینب (سلام الله علیها) به جایی رسید که فقط والاترین انسانهای تاریخ بشریت، یعنی پیامبران، میتوانند به آنجا برسند...

### زینب کبری (سلام الله علیها)؛ الگوی زنان عالم

زن امروز الگو میخواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتهای و انتخاب بهترین کارها، ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بر دوش انسانها گذاشته است، همراه باشد.

زینب (سلام الله علیها) الگوست. زینب (سلام الله علیها)، زنی نبود که از علم و معرفت

ص: ۲۶

۱- الأخبار الطوال، ص ۲۲۸؛ زینب الکبری، النقدي، ص ۸۸.

۲- العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۲۶؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶.

۳- معالی السبطين، ج ۲، صص ۲۴-۲۵.

بی بهره باشد؛ بالاترین علمها و برترین و صافی ترین معرفتها در دست او بود. (۱) همان حضرت سکینه (سلام الله علیها) که شما اسمش را در کربلا شنیده اید و دختر امام و برادرزاده و شاگرد زینب (سلام الله علیها) است \_ کسانی که اهل تحقیق و کتابند، نگاه کنند \_ او یکی از مشعلهای معرفت عربی در همه ی تاریخ اسلام تا امروز است. (۲) کسانی که حتی زینب (سلام الله علیها) و پدر زینب و پدر سکینه را قبول نداشتند و ندارند، اعتراف میکنند که سکینه (سلام الله علیها) یک مشعل معرفت و دانش است. رفتن این راه، به معنای دور شدن از دانش و معرفت و بینش جهانی و روشنفکری و معلومات و آداب نیست؛ اینها ورای آنهاست. (۳)

ص: ۲۷

- 
- ۱- مقاتل الطالبیین، ص ۹۵؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱؛ زینب الکبری، النقدي، ص ۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۹۳.
  - ۲- المنتظم، ج ۷، ص ۱۷۵؛ الأعلام، ج ۳، ص ۱۰۶.
  - ۳- در دیدار جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری (س)، و روز پرستار، ۲۲/۸/۱۳۷۰.

من امروز میخواهم از روی مقتل «ابن طاووس» که کتاب «لهوف» است، یک چند جمله ذکر مصیبت کنم و چند صحنه از این صحنه های عظیم را برای شما عزیزان بخوانم... یکی از این قضایا، قضیه ی به میدان رفتن «قاسم بن الحسن» است که صحنه ی بسیار عجیبی است... یک منظره ی دیگر، منظره ی میدان رفتن علی اکبر (علیه السلام) است که یکی از آن مناظر بسیار پُرماجرا و عجیب است... اینها منظره های عجیب این ماجرای عظیم است، و امروز هم که روز جناب زینب کبری (سلام الله علیها) است؛ آن بزرگوار هم ماجراهای عجیبی دارد. حضرت زینب (سلام الله علیها)، آن کسی است که از لحظه ی شهادت امام حسین (علیه السلام)، این بار امانت را بر دوش گرفت و شجاعانه و با کمال اقتدار، آنچنان که شایسته ی دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، در این راه حرکت کرد. اینها توانستند اسلام را جاودانه کنند و دین مردم را حفظ نمایند. ماجرای امام حسین (علیه السلام)، نجات بخشی یک ملت نبود، نجات بخشی یک امت نبود؛ نجات بخشی یک تاریخ بود. امام حسین (علیه السلام)، خواهرش زینب (سلام الله علیها) و اصحاب و دوستانش با این حرکت، تاریخ را نجات دادند. (۱)

ص: ۲۸

تلاش حضرت زینب (سلام الله علیها) فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست (۱) و پرستاری (۲) کرده است. حضرت زینب (سلام الله علیها) از روح کلی اسلام و جامعهی آن روز مسلمین پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آن-جاست. حضرت زینب در مقابل یک دنیا بدی، ظلم، بی انصافی، حیوان صفتی و قساوت، یک تنه ایستاد و با این ایستادگی، توانست از روح کلی اسلام حراست و پرستاری کند. هم-چنان که می-گوییم امام حسین (علیه السلام) اسلام را حفظ کرد، می-توانیم دقیقاً ادعا کنیم که حضرت زینب (سلام الله علیها) هم با ایستادگی خود، اسلام را حفظ کرد. این ایستادگی، یک رمز و راز و یک عامل اصلی است. (۳)

ص: ۲۹

- 
- ۱- المنتظم، ج ۵، ص ۳۴۱؛ معالی السبطين، ج ۲، ص ۸۳.
  - ۲- تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۸؛ روضه الواعظین، ص ۱۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱.
  - ۳- در دیدار پرستاران، در آستانه ی سالروز میلاد فرخنده ی حضرت زینب (س)، ۳/۵/۱۳۸۰.

## زینب کبری (سلام الله علیها)؛ الگوی همیشگی

این روزها به مناسبت سالروز ولادت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، متعلق به شخصیت این بانوی برجسته ی اسلام است، که الگوی همیشه زنده ای در مقابل زن مسلمان و مرد مسلمان قرار میدهد...

البته شخصیت زینب کبری (سلام الله علیها) منحصر در بُعد غمگساری و پرستاری آن بزرگوار نیست. زینب کبری (سلام الله علیها) یک نمونه ی کامل از زن مسلمان است؛ یعنی الگویی که اسلام برای تربیت زنان، آن را در مقابل چشم مردم دنیا قرار داده است.

زینب کبری (سلام الله علیها) دارای شخصیت چند بُعدی است؛ دانا و خبیر و دارای معرفت والا و یک انسان برجسته است که هر کس با آن بزرگوار مواجه میشود، در مقابل عظمت دانی و روحی و معرفت او احساس خضوع میکند. شاید مهمترین بُعدی که شخصیت زن اسلامی می تواند آن را در مقابل چشم همه قرار دهد - تأثیری که از اسلام پذیرفته - این بُعد است. شخصیت زن اسلامی به برکت ایمان و دل سپردن به رحمت و عظمت الهی، آن چنان سیه و عظمتی پیدا میکند که حوادث بزرگ در مقابل او، حقیر و ناچیز میشود. در زندگی زینب کبری (سلام الله علیها)، این بُعد از همه بارزتر و برجسته تر است. حادثه ای مثل روز عاشورا نمیتواند زینب کبری (سلام الله علیها) را خرد کند.

شکوه و حشمت ظاهری دستگاہ ستمگر جباری مثل یزید و عبیدالله بن زیاد نمیتواند زینب کبری (سلام الله علیها) را تحقیر کند. زینب کبری (سلام الله علیها) در مدینه \_ که محلّ استقرار شخصیت با عظمت اوست \_ و در کربلا \_ که کانون محنت-های اوست \_ و در کاخ جبارانی مثل یزید و عبیدالله بن زیاد، همان عظمت و شکوه معنوی را با خود حفظ میکند و شخصیت های دیگر در مقابل او تحقیر می-شوند. یزید و عبیدالله بن زیاد \_ این مغروران ستمگر زمان خود \_ در مقابل این زن اسیر و دست بسته، تحقیر میشوند.

زینب کبری (سلام الله علیها)، شور عاطفه ی زنانه را همراه کرده است با عظمت و استقرار و متانت قلب یک انسان مؤمن، و زبان صریح و روشن یک مجاهد فی سبیل الله، و زلال معرفتی که از زبان و دل او بیرون می-ت-راود و شنوندگان و حاضران را مبهوت می-کند. عظمت زنانه اش، بزرگان دروغین ظاهری را در مقابل او حقیر و کوچک میکند. عظمت زنانه، یعنی این؛ یعنی مخلوطی از شور و عاطفه ی انسانی، که در هیچ مردی نمیتوان این عاطفه ی شورانگیز را سراغ داد؛ همراه با متانت

شخصیت و استواری روح که همه ی حوادث بزرگ و خطیر را در خود هضم میکند و روی آتش-های گداخته، شجاعانه قدم میگذارد و عبور می-کند؛ در عین حال، درس میدهد و مردم را آگاهی می بخشد؛ در عین حال، امام زمان خود \_ یعنی امام سجاد (علیه السلام) \_ را مانند یک مادر مهربان آرامش و تسلی می بخشد؛<sup>(۱)</sup> در عین حال، با کودکان برادر و بچه های پدر از دست داده ی آن حادثه ی عظیم، در میان آن طوفان شدید، مثل سدّ مستحکمی برای آنها امتیت و آرامش و تسلی ایجاد میکند. بنابراین، زینب کبری (سلام الله علیها) یک شخصیت همه جانبه بود. اسلام، زن را به این طرف سوق میدهد.<sup>(۲)</sup>

ص: ۳۱

۱- کامل الزیارات، صص ۴۴۴-۴۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۸، صص ۵۵-۶۱.

۲- در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۳/۱۳۸۴.

## زینب کبری (سلام الله علیها)؛ بنیانگذار بنای حفظ حوادث با هنر

به نظر من بنیانگذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر، زینب کبری (سلام الله علیها) است. اگر حرکت و اقدام حضرت زینب (سلام الله علیها) نبود و بعد از آن بزرگوار هم بقیه ی اهل بیت (علیهم السلام) \_ حضرت سجاد (علیه السلام) و دیگران \_ نبودند، حادثه ی عاشورا در تاریخ نمی ماند. بله، سنت الهی این است که این گونه حوادث در تاریخ ماندگار شود؛ اما همه ی سنتهای الهی عملکردش از طریق ساز و کارهای معینی است. ساز و کار بقای این حقایق در تاریخ، این است که اصحاب سِرّ، اصحاب درد، رازدانان و کسانی که از این دقائق مطلع شدند، این را در اختیار دیگران بگذارند...

بیان هنری هم شرط اصلی است؛ کما اینکه خطبه ی حضرت زینب (سلام الله علیها) در شهر کوفه (۱) و شهر شام، (۲) از لحاظ زیبایی و جذائیت بیان، آیت بیان هنری است؛ طوری است که اصلاً هیچکس نمیتواند این را نادیده بگیرد. یک مخالف یا یک دشمن وقتی این بیان را می شنود، مثل تیر بُرنده

ص: ۳۲

- 
- ۱- الفتح، ج ۵، صص ۱۲۱-۱۲۲؛ الإحتجاج، ج ۲، صص ۲۹-۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، صص ۱۶۴-۱۶۶.
  - ۲- بلاغات النساء، صص ۲۰-۲۳؛ الإحتجاج، ج ۲، صص ۳۴-۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، صص ۱۳۳-۱۳۵.



و تیغ تیزی، خواهی نخواهی این بیان کار خودش را میکند. تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت. حضرت زینب(سلام الله علیها) و امام سجّاد(علیه السلام) در خطبه ی شام و در بیان رسا و بلیغ و شگفتآور مسجد شام،<sup>(۱)</sup> این کارها را کردند. شما هم دارید این کار را میکنید.<sup>(۲)</sup>

ص: ۳۳

- 
- ۱- الفتوح، ج ۵، صص ۱۳۲-۱۳۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، صص ۱۳۷-۱۳۹.
  - ۲- در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۳۱/۶/۱۳۸۴.

## حفظ یاد عاشورا با تلاش امام سجّاد (علیه السّلام) و زینب کبری (سلام الله علیها)

خاطره ی مجاهدت آزادمنشانه ی هوشیارانه ی مردم آذربایجان از حافظه ی ملت ایران پاک نخواهد شد. بیست و نه بهمن سال ۱۳۵۶ یکی از این خاطره هاست...

اگر برای جوانهای عزیزی که آن روز را ندیدند، بخواهیم در دو جمله مسئله را تصویر کنیم، مسئله این است که حرکتی در مواجهه ی با رژیم غدار، از یک نقطه، یعنی از حوزه ی علمیه ی قم و مردم قم سر بلند کرد؛ رژیم بی باک و غدار و متکی به امریکا بشدت آن را سرکوب کرد؛ نفس ها در سینه ها حبس شد. همه خیال کردند قضیه تمام شد. آن نقطه ای که نگذاشت این قضیه به اینجا ختم شود و یک حادثه را تبدیل به یک جریان و یک فرایند کرد، عبارت بود از تبریز و آذربایجان؛ یعنی مردم غیور و شجاع و باهوش تبریز، یک حادثه را تبدیل کردند به یک جریان؛ نگذاشتند این حادثه در قم دفن شود. اگر بخواهیم تشبیه کنیم به حوادث صدر اسلام، مثل کار جناب زین العابدین (علیه السّلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) در حفظ حادثه ی عاشورا و نگذاشتن و مانع شدن از اینکه این حادثه در صحرای کربلا دفن شود و فراموش شود. شما این را یک پرچم کردید و با قدرت این را در دست نگه داشتید و این پرچم شد شاخص. این، اهمّیت حادثه را نشان میدهد. (۱)

ص: ۳۴

---

۱- در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن، ۲۸/۱۱/۱۳۸۶.

## دهه ی آخر صفر؛ دهه ی زینب کبری (سلام الله علیها)

این روزها، روزهای دهه ی آخر صفر است؛ روزهای بعد از اربعین است. اگر نگاهی کنیم به تاریخ صدر اسلام، این روزها روزهای زینب کبری (سلام الله علیها) است. آن کاری هم که زینب کبری (سلام الله علیها) کرد، یک کار از همین جنس بود؛ یعنی کاری محضاً برای خدای متعال، در دلِ خطرها و محنتها و زحمتهای؛ یک ابراز وجود معنوی و الهی دین در چهره ی مصمم زینب کبری (سلام الله علیها). خوب است بدانیم و بفهمیم حروف تاریخ گذشته ی بسیار ارجمندی را که تا امروز منشأ برکات فکری و معرفتی شده است، و إن شاء الله تا آخر دنیا هم خواهد بود. زینب (سلام الله علیها)، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین (علیه السلام)؛ هم در حادثه ی روز عاشورا، آن سختی-ها و آن محن-تها؛ هم در حادثه ی بعد از شهادت حسین بن علی (علیه السلام)، بی سرپناهی این مجموعه ی به جا مانده ی کودک و زن، به عنوان یک ولی الهی آن چنان درخشید که نظیر او را نمیشود پیدا کرد؛ در طول تاریخ نمیشود نظیری برای این پیدا کرد. بعد هم در حوادث پی درپی، در دوران اسارت زینب (سلام الله علیها)، در کوفه، در شام، تا این روزها که روز پایان آن حوادث است و شروع یک سرآغاز دیگری است برای حرکت اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی و پیش بردن جامعه ی اسلامی. برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری (سلام الله علیها)

در نزد خداوند متعال یک مقامی یافته است که برای ما قابل توصیف نیست.

شما ملاحظه کنید در قرآن کریم، به عنوان یک نمونه ی کامل ایمان، خدای متعال دو زن را مثال میزند؛ به عنوان نمونه ی کفر هم دو زن را مثال می زند:

«ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین»؛(۱)

که این دو مثال، مربوط است به زنانی که نمونه ی کفرند. یعنی به عنوان نمونه، از مردان مثال نمی آورد؛ از زنان مثال می آورد؛ هم در باب کفر، هم در باب ایمان.

«و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأت فرعون»؛(۲)

یکی زن فرعون را به عنوان نمونه ی کامل ایمان مثال می آورد، یکی هم حضرت مریم کبری؛

«و مریم ابنت عمران».(۳)

یک مقایسه ی کوتاه بین زینب کبری(سلام الله علیها) و بین همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری(سلام الله علیها) را نشان میدهد. در قرآن کریم، زن فرعون نمونه ی ایمان شناخته شده است؛ برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دل بسته ی آن هدایتی شده بود که موسی عرضه میکرد، وقتی در زیر فشار شکنجه ی فرعون قرار گرفت، که با همان شکنجه هم \_ طبق نقل تواریخ و روایات \_ از دنیا رفت،(۴) شکنجه ی جسمانی او، او را به فغان آورد:

ص: ۳۶

۱- «خداوند برای کسانی که کافر شده اند، به همسر نوح و لوط مثل زده است. آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان

صالح ما بودند» سوره ی تحریم، آیه ی ۱۰.

۲- «و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است...» سوره ی تحریم، آیه ی ۱۱.

۳- «و همچنین به مریم دختر عمران...» سوره ی تحریم، آیه ی ۱۲.

۴- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۴؛ الکامل، ج ۱، ص ۱۸۵.

«إذ قالت ربّ ابن لي عندك بيتاً في الجنّة ونجّني من فرعون و عمله»؛(۱)

از خدای متعال درخواست کرد که پروردگارا! برای من در بهشت خانه ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ میکرد؛ میخواست که از دنیا برود.

«و نجّني من فرعون و عمله»؛

من را از دست فرعون و عمل گمراه کننده ی فرعون نجات بده. در حالی که جناب آسیه \_ همسر فرعون \_ مشککش، شکنجه اش، درد و رنجش، درد و رنج جسمانی بود؛ مثل حضرت زینب (سلام الله علیها)، چند برادر، دو فرزند، تعداد زیادی از نزدیکان و برادرزادگان را از دست نداده بود و در مقابل چشم خودش به قربانگاه نرفته بودند. این رنج-های روحی که برای زینب کبری پیش آمد، اینها برای جناب آسیه \_ همسر فرعون \_ پیش نیامده بود. در روز عاشورا زینب کبری (سلام الله علیها) این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته اند و شهید شده اند؛ حسین بن علی (علیه السلام) سیدالشهدا(۲) را دید، عباس را دید، علی اکبر را دید، قاسم را دید، فرزندان خودش را دید، دیگر برادران را دید. بعد از شهادت، آن همه محتتها را دید؛ تهاجم دشمن را، هتک احترام را، مسئولیت حفظ کودکان را، زنان را. عظمت این مصیبتها را مگر میشود مقایسه کرد با مصائب جسمانی؟ اما در مقابل همه ی این مصائب، زینب (سلام الله علیها) به پروردگار عالم عرض نکرد: «ربّ نجّني»؛ نگفت پروردگارا! من را نجات بده. در روز عاشورا عرض کرد: پروردگارا! از ما قبول کن. بدن پاره پاره ی برادرش در مقابل دست، در مقابل چشم؛ دل به سمت پروردگار عالم، عرض میکند: پروردگارا! این قربانی را از ما قبول کن.(۳) وقتی از او سؤال میشود که چگونه دیدی؟ میفرماید:

ص: ۳۷

۱- «... در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه ای برای من نزدیک خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات

ده...» سوره ی تحریم، آیه ی ۱۱.

۲- کامل الزیارات، ص ۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۳۸.

۳- مقتل الحسین، مقرّم، ص ۳۲۲.

این همه مصیبت در چشم زینب کبری (سلام الله علیها) زیباست؛ چون از سوی خداست، چون برای اوست، چون در راه اوست، در راه اعلای کلمه ی اوست.

بینید این مقام، مقام چنین صبوری، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسیه نقل میکند. این، عظمت مقام زینب (سلام الله علیها) را نشان میدهد. کار برای خدا این جور است. لذا نام زینب (سلام الله علیها) و کار زینب (سلام الله علیها) امروز الگوست و در دنیا ماندگار است.

بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه ی پیمودن این راه به وسیله ی بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی (علیه السلام) کرد و کاری که زینب کبری (سلام الله علیها) کرد. یعنی آن صبر عظیم، آن ایستادگی، آن تحمل مصائب و مشکلات، موجب شد که امروز شما می بینید ارزشهای دینی در دنیا، ارزشهای رایج است. همه ی این ارزشهای انسانی که در مکاتب گوناگون، منطبق با وجدان بشری است، ارزشهایی است که از دین برخاسته است؛ اینها را دین تعلیم داده است. کار برای خدا خاصیتش این است.

از جنس همین کار، کار انقلاب بود؛ لذا انقلاب ماندگار شد؛ ثبات و اقتدار معنوی و حقیقی پیدا کرد، دوام پیدا کرد. (۲)

ص: ۳۸

---

۱- الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۲؛ مثير الأحزان، ص ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، صص ۱۱۵-۱۱۶.

۲- در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۱۳۸۸.

## زینب (سلام الله علیها)؛ عامل پیروزی خون بر شمشیر

در جمهوری اسلامی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) برابر قرار داده اند؛ این هم معنای بزرگی دارد. زینب کبری (سلام الله علیها) یک نمونه ی برجسته ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهمترین مسائل تاریخ نشان میدهد. اینکه گفته میشود در عاشورا، در حادثه ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد \_ که واقعاً پیروز شد \_ عامل این پیروزی، حضرت زینب (سلام الله علیها) بود؛ و الا \_ خون در کربلا \_ تمام شد. حادثه ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه ی عاشورا به پایان رسید؛ امّا آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری (سلام الله علیها)؛ نقشی که حضرت زینب (سلام الله علیها) بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است.

این حادثه نشان داد که زن در حاشیه ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه ی زنده و ملموس است که انسان زینب کبری (سلام الله علیها) را مشاهده میکند که با یک عظمت خیره کننده و درخشنده ای در عرصه ظاهر میشود؛ کاری میکند دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و

مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقرّ قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود؛ داغ ننگ ابدی را به پیشانی او میزند و پیروزی او را تبدیل میکند به یک شکست؛ این کارِ زینب کبری (سلام الله علیها) است. زینب (سلام الله علیها) نشان داد که میتوان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزّت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ.

### عظمت خطبه ی تاریخی حضرت زینب (سلام الله علیها)

آنچه که از بیانات زینب کبری (سلام الله علیها) باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری را نشان میدهد. خطبه ی فراموش نشدنی زینب کبری (سلام الله علیها) در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهار نظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق ترین و غنی ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است. قوّت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده اند، این جمع چند ده نفره ی زنان و کودکان را اسیر کرده اند، آورده اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده اند دارند تماشا میکنند، بعضی لهله میکنند، بعضی هم گریه میکنند؛ در یک چنین شرایط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع میکند؛ همان لحنی را بهکار می-برد که پدرش امیرالمؤمنین (علیه السّلام) بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار میبرد؛ همان جور حرف می-زند؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا:

«یا أهل الكوفة یا أهل الختل»؛

ای خدعه گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله رو اسلام و اهل بیت (علیهم السّلام) هستید؛ اما در امتحان این جور کم



آوردید، در فتنه این جور کوری نشان دادید.

«هل فيكم إلا الصّلف و العجب و الشّنف و الكذب و ملق الإمام و غمز الأعداء»؛

شما رفتارتان، زیانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستید؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده ی مقابله ی با فتنه بریایید، نتوانستید خودتان را نجات دهید.

«مثلکم کمثل الّتی نقضت غزلها من بعد قوّه أنکاثا»؛<sup>(۱)</sup>

مثل آن کسی شدید که پشم را میریسد، تبدیل به نخ میکند، بعد نخها را دوباره باز میکند، تبدیل میکند به همان پشم یا پنبه ی نریسیده. با بی بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده های خودتان را، گذشته ی خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب شناسی است.

با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرایط دشوار، این گونه صحبت میکرد. این جور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب (سلام الله علیها) نشسته باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه داران دشمن دور و برشان را گرفته اند؛ یک عده هم مردم مختلف الحال حضور داشتند؛ همانهایی که مسلم را به دست ابن زیاد دادند، همان هایی که به امام حسین (علیه السلام) نامه نوشتند و تخلف کردند، همان هایی که آن روزی که باید با ابن زیاد درمی افتادند، توی خانه هایشان مخفی شدند \_ اینها بودند توی بازار کوفه \_ یک عده هم کسانی بودند که ضعف نفس نشان دادند، حالا هم نگاه میکنند، دختر امیرالمؤمنین را می بینند، گریه میکنند. حضرت

ص: ۴۱

زینب کبری (سلام الله علیها) با این عده ی ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما این جور محکم حرف میزند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمیشود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه ی مؤمن، این جور خودش را در شرایط دشوار نشان میدهد.

### عظمت زینب کبری (سلام الله علیها)

این زن است که الگوست؛ الگو برای همه ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب شناسی میکند؛ میگوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید؛ نتوانستید به وظیفه تان عمل کنید؛ نتیجه این شد که جگر گوشه ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت. عظمت زینب (سلام الله علیها) را اینجا می-شود فهمید. (۱)

ص: ۴۲

---

۱- در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه ی کشور، ۱/۲/۱۳۸۹.

فصل دوم: اربعين

اشاره

ص: ۴۳



## اربعین؛ پایه گذاری سنت زیارت و احیای یاد کربلا

اهمیت اربعین از کجاست؟ صرف اینکه چهل روز از شهادت شهید میگذرد، چه خصوصیتی دارد؟ خصوصیت اربعین به این است که در اربعین حسینی، یاد شهادت حسین (علیه السلام) زنده شد؛ و این بسیار مهم است.

شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می افتاد؛ یعنی حسین بن علی (علیه السلام) و بقیه ی شهیدان در کربلا شهید میشدند، اما بنی امیه موفق میشدند همان طور که خود حسین (علیه السلام) و یاران عزیزش را از صفحه ی روزگار برافکنند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آنها را هم از خاطره ی نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند، آیا این شهادت فایده ای برای عالم اسلام داشت؟ یا اگر هم برای آن روز اثری میگذاشت، آیا این خاطره در تاریخ، برای نسلهای بعد هم برای گرفتاریها و سیاهیها و تاریکیها و یزیدههای دوران آینده ی تاریخ هم اثری روشنگر و افشاکننده داشت؟!

اگر حسین (علیه السلام) شهید میشد، اما مردم آن روز و مردم نسلهای بعد نمی فهمیدند شهید شده، این خاطره چه اثری و چه نقشی میتواند در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیختگی ملتها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟

میدانید هیچ اثری نداشت. آری؛ حسین (علیه السلام) شهید میشد، خود او به اعلا علّین رضوان خدا میرسید؛ شهیدانی که کسی نفهمید و در غربت، سکوت و خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند، روح آنها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد؛ اما چقدر درس و اسوه میشدند؟

شهیدان چقدر اسوه شدند؟ سیره ی آن شهیدی درس میشود که شهادت او و مظلومیت او را نسلهای معاصر و آینده بدانند و بشوند. آن شهیدی درس و اسوه میشود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر شود.

مظلومیت یک ملت آن وقتی میتواند زخم پیکر ستم کشیده و شلاق خورده ی ملّتها را شفا بدهد و مرهم بگذارد که این مظلومیت فریاد بشود، این مظلومیت به گوش انسانهای دیگر برسد. برای همین است که امروز ابرقدرتها صدا در صدا انداخته اند تا صدای ما بلند نشود. برای همین است که حاضرند پولهای گزاف خرج کنند تا دنیا نفهمد جنگ تحمیلی چرا و با چه انگیزه ای، با دست چه کسی، با تحریک چه کسی به وجود آمده است.

آن روز هم دستگاه های استکباری حاضر بودند هرچه دارند، خرج کنند، به قیمت اینکه نام و یاد حسین (علیه السلام) و خون حسین (علیه السلام) و شهادت عاشورا مثل درس در مردم آن زمان و ملّتهای بعد باقی نماند و شناخته نشود. البته در اوایل کار درست نمی فهمیدند چقدر مطلب، باعظمت است. هرچه بیشتر گذشت، بیشتر فهمیدند. در اواسط دوران بنی عباس حتی قبر حسین بن علی (علیه السلام) را ویران کردند، آب انداختند؛ خواستند از او هیچ اثری باقی نماند. (۱) نقش یاد و خاطره ی شهیدان و شهادت، این است. شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی بخشد. و اربعین، آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت

ص: ۴۶

---

۱- مقاتل الطالبیین، صص ۴۷۸-۴۷۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۳؛ بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۳۹۴-۳۹۵.

کربلا در آن آغاز شد و روز بازماندگان شهادت؛ حالا چه در اربعین اول، خانواده ی امام حسین (علیه السلام) به کربلا آمده باشند (۱) و چه نیامده باشند. (۲)

امّا اربعین اول آن روزی است که برای اولین بار زائران شناخته شده ی حسین بن علی (علیه السلام) به کربلا آمدند؛ (۳) جابر بن عبدالله انصاری (۴) و عطیه (۵) از اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و از یاران امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آنجا آمدند. آن طور که در نوشته ها و اخبار هست، جابر بن عبدالله نابینا بود، عطیه دستش را گرفت و برد روی قبر حسین بن علی (علیه السلام) گذاشت. او قبر را لمس کرد و گریه کرد و با حسین بن علی (علیه السلام) حرف زد. (۶)

او با آمدن خود و با سخن گفتن خود، خاطره ی حسین بن علی (علیه السلام) را زنده کرد و سنت زیارت قبر شهدا را پایه گذاری کرد. روز اربعین، چنین روز مهمی است.

### انقلاب اسلامی؛ تجربه ی دوباره ی پیروزی خون بر شمشیر

شما خانواده های شهیدان عزیز ما، امروز در وضع خاصی از تاریخ قرار گرفته اید. مسئله ی امروز در جمهوری اسلامی با مسئله ی حسین بن علی (علیه السلام) تفاوتی دارد. امروز شما در جامعه ای زندگی میکنید که اندیشه ی حسین (علیه السلام) و روح حسینی بر آن جامعه حاکم است؛ جامعه ای است که با حرکت حسینی به وجود آمده؛ با فریاد حسینی، یزیدیان زمان از اوج قدرت به زیر کشیده شدند.

مردان و زنان ما توانستند با درس گرفتن از حسین (علیه السلام) تجربه ی

ص: ۴۷

۱- الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۴۲۲.

۲- العدد القویه، ص ۲۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، صص ۳۳۴-۳۳۵.

۳- همان.

۴- رجال الطوسی، صص ۳۱-۳۲؛ الاستیعاب، ج ۱، صص ۲۱۹-۲۲۰.

۵- قاموس الرجال، ج ۷، صص ۲۰۹-۲۱۱.

۶- تنبیه الغافلین، ص ۹۰؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۲، صص ۱۹۰-۱۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، صص ۱۳۰-۱۳۱.

پیروزی حق بر باطل را در روزگار غربت و محرومیت اهل حق زنده کنند و نشان بدهند؛ در حالی که در دنیای امروز هیچ نشانی از این وجود نداشت که حق بر باطل پیروز بشود و تفکر الهی جای خودش را در میان مردم و در زندگی مردم باز کند. مردم ما توانستند با جان دادن، با خون دادن، با شهید دادن و شهادت را برای خود و عزیزان خود پذیرفتن، به اینجا برسند...

همان طور که زینب کبری (سلام الله علیها) عصر عاشورا و شب یازدهم، میان آن همه شدت و محنت، دست و پای خودش را گم نکرد و مأیوس نشد، ما هم امروز مأیوس نیستیم و نباید باشیم.

همان عصر عاشورا \_ بنا به نقل بعضی از روایات - زینب (سلام الله علیها) به برادرزاده ی خودش علی بن الحسین (علیه السلام) گفت: ای برادرزاده ی من! اوضاع این گونه نمیماند؛ این قبرها آباد خواهد شد، این پرچم برافراشته خواهد شد، مردم و ملت‌ها و نسلها، گروه گروه می آیند و از اینجا درس میگیرند و برمیگردند. (۱) اینجا مدرس (۲) آزادی خواهان عالم خواهد شد، و شد. آن روز این امید، آینده را نشان میداد. (۳)

ص: ۴۸

---

۱- کامل الزیارات، ص ۴۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۸۲.

۲- محلّ درس آموزی.

۳- در دیدار جمع کثیری از خانواده های شهدای تهران و حومه، ۲۲/۸/۱۳۶۳



فقط یک جمله در باب اربعین عرض کنم. آمدن اهل بیت حسین بن علی (علیه السلام) به سرزمین کربلا - که اصل این آمدن، مورد قبول است؛ (۱) آری سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست - فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آن چنان که گاهی بر زبانها جاری میشود؛ مسئله از این بسیار بالاتر بود. نمیشود کارهای شخصیتی مثل امام سجّاد (علیه السلام) یا مثل زینب کبری (سلام الله علیها) را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد؛ باید در کارها و تصمیمات شخصیت هایی به این عظمت، در جستجو رازهای بزرگتر بود.

مسئله ی آمدن بر سر مزار سیدالشهدا (علیه السلام)، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود. با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی (علیه السلام) و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند، تفهیم کنند که این حادثه تمام نشد؛ مسئله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسئله ادامه دارد. به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماس است؛ اینجا میعاد بزرگی

ص: ۴۹

---

۱- الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۴۲۲؛ مثیرالأحزان، ص ۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، صص ۳۳۵-۳۳۶.

است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه ی شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه ی مسلمین را باید به یاد هم بیاورید. تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن، حتی در حدّ شهادت، آن هم با آن وضع؛ این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمیرفت و خاطره ی آن برای همیشه زنده میماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجّاد (علیه السّلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) به کربلا در اربعین، به این مقصود بود.

لذا شما نگاه میکنید، زیارت اربعین [\(۱\)](#) یکی از آن پرمغزترین و پرمضمون ترین زیارتهایی است که برای ائمه (علیهم السّلام) ذکر شده است. [\(۲\)](#)

ص: ۵۰

---

۱- مصباح المتهجد، صص ۷۸۸-۷۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، صص ۳۳۱-۳۳۲.

۲- در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۴/۷/۱۳۶۶.

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون، از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه السلام) در عاشورا، به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده ی زیادی نخواهند برد.

درست است که خدای متعال شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه میدارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است، اما ابزار طبیعی یی که خدای متعال برای این کار \_ مثل همه ی کارها \_ قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده ی ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و بجا میتوانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگه داریم.

اگر زینب کبری (سلام الله علیها) و امام سجاد (علیه السلام) در طول آن روزهای اسارت \_ چه در همان عصر عاشورا در کربلا، و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند (۱) \_ مجاهدت

ص: ۵۱

---

۱- (دوره ی حیات امام سجاد (علیه السلام) الکافی، ج ۱، ص ۴۶۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۱، ص ۴۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۲. (دوره ی حیات حضرت زینب (سلام الله علیها) أخبار الزینبات، ص ۱۲۲؛ قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۴۳.

و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه ی عاشورا و هدف حسین بن علی (علیه السّلام) و ظلم دشمن را بیان نمی‌کردند، (۱) واقعه ی عاشورا تا امروز جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی‌ماند.

چرا امام صادق (علیه السّلام) \_ طبق روایت \_ فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره ی حادثه ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ (۲) چون تمام دستگاه های تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن مسئله ی عاشورا و کلاً مسئله ی اهل بیت (علیهم السّلام) تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهای ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت آمیز می‌کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه ی عاشورا که با این عظمت در بیابانی در گوشه ای از دنیای اسلام اتفاق افتاده، با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها، از بین میرفت.

آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی (علیه السّلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی (علیه السّلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب (سلام الله علیها) و مجاهدت امام سجّاد (علیه السّلام) و بقیه ی بزرگواران، دشوار بود. البتّه صحنه ی آنها صحنه ی نظامی نبود، بلکه تبلیغی

ص: ۵۲

- 
- ۱- افشاگریهای امام سجّاد (علیه السّلام) در کوفه، شام و مدینه: الفتوح، ج ۵، ص ۱۲۳؛ مقاتل الطالبیین، صص ۱۱۹-۱۲۰؛ الإحتجاج، ج ۲، صص ۳۳-۳۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ اللهوف، صص ۹۲-۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، صص ۱۴۸-۱۴۹. افشاگری های حضرت زینب (سلام الله علیها) در کربلا، کوفه، شام و مدینه: أخبار الزینبات، صص ۱۱۵-۱۱۹؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۰۶؛ الفتوح، ج ۵، صص ۱۲۱-۱۲۲؛ الإرشاد، ج ۲، صص ۱۱۵-۱۱۶؛ الإحتجاج، ج ۲، صص ۳۳-۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۹۸؛ مقتل الحسین، مقرّم، ص ۳۲۲.
  - ۲- ثواب الأعمال، صص ۸۳-۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، صص ۲۸۲-۲۸۳.

و فرهنگی بود. ما به این نکته ها باید توجه کنیم.

درسی که اربعین به ما میدهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. اگر در مقابل تبلیغات دشمن، تبلیغات حق نبود و نباشد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است.

دستگاه ظالم جبار یزیدی، با تبلیغات خود، حسین بن علی (علیه السلام) را محکوم میساخت و وانمود میکرد که حسین بن علی (علیه السلام) کسی بود که بر ضدّ دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است! بعضی هم این تبلیغات دروغ را باور میکردند. بعد هم که حسین بن علی (علیه السلام) با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله ی دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، آن را یک غلبه و فتح وانمود میکردند؛ اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته ها را عوض کرد. حق این گونه است. (۱)

ص: ۵۳

---

۱- . در دیدار اقشار مختلف مردم نائین و ابرده خراسان و جمعی از خانواده های شهدای تهران، گرگان و چهاردوونگه، اعضای جمعیت هلال احمر، مسئولان واحدهای فرهنگی بنیاد شهید و خواهران دانشجوی دانشگاه اصفهان، ۲۹/۶/۱۳۶۸.

## ذکر مصیبت در اربعین سیدالشهدا(علیه السلام)

مایلم یک جمله هم ذکر مصیبت کنم. فردا اربعین سیدالشهداست. به مناسبت سالگرد امام، ما از جاهای مختلف بر سر مزار او گرد آمده ایم. تناسب این جمع آمدن و گرد آمدن ما بر سر قبر امام، با اربعین تناسب عجیبی است. در روز اربعین هم، بعد از آن روزهای تلخ و آن شهادت عجیب، اولین زائران اباعبدالله الحسین(علیه السلام) بر سر قبر امام معصوم شهید جمع شدند.

از جمله کسانی که آن روز آمدند، یکی «جابر بن عبدالله انصاری» است و یکی «عطیه بن سعد عوفی» که او هم از اصحاب امیرالمؤمنین(علیه السلام) است. جابر بن عبدالله از صحابه ی پیامبر(صلی الله علیه وآله) و از اصحاب جنگ بدر است؛(۱) آن روز هم علی الظاهر مرد مسنی بوده است؛ شاید حداقل شصت، هفتاد سال از سنین او \_ بلکه بیشتر- میگذشته است. اگر در جنگ بدر بوده، پس لابد قاعدتاً در آن وقت باید بیش از هفتاد سال سن داشته باشد؛ لیکن «عطیه» از اصحاب امیرالمؤمنین(علیه السلام) است. او آن وقت جوان تر بوده؛ چون تا زمان امام باقر(علیه السلام) هم «عطیه بن سعد عوفی» علی الظاهر زندگی کرده است.(۲)

ص: ۵۴

---

۱- التاریخ الکبیر، ج ۲، ص ۲۰۷؛ اختیار معرفه الرجال، ج ۱، شرح صص ۲۰۵-۲۰۸.

۲- قاموس الرجال، ج ۷، صص ۲۰۹-۲۱۱.

«عطیه» میگوید: وقتی به آنجا رسیدیم، خواستیم به طرف قبر برویم، امّا این پیرمرد گفت: اوّل دم شطّ فرات برویم و غسل کنیم. در شطّ فرات غسل کرد، سپس قطیفه ای به کمر پیچید و قطیفه ای هم بر دوش انداخت؛ مثل کسی که میخواهد خانه ی خدا را طواف و زیارت کند، به طرف قبر امام حسین (علیه السّلام) رفت. ظاهراً او نابینا هم بوده است. میگوید با هم رفتیم، تا نزدیک قبر امام حسین (علیه السّلام) رسیدیم. وقتی که قبر را لمس کرد و شناخت، احساساتش به جوش آمد. این پیرمرد که لابد حسین بن علی (علیه السّلام) را بارها در آغوش پیامبر (صلی الله علیه وآله) دیده بود، با صدای بلند سه مرتبه صدا زد: یا حسین، یا حسین، یا حسین! (۱)(۲)

ص: ۵۵

---

۱- تنبیه الغافلین، ص ۹۰؛ بشاره المصطفی، ص ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۰.

۲- در خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۴/۳/۱۳۷۸.

آنجا [کربلای مُعلی] کعبه ی دلهاست. همان نقطه ای که روزی تصوّر میشد همه چیز در آنجا دفن شد؛ اصالتها، حقیقتها، ارزشها، و همه ی جلوه های اسلام نابِ پیغمبر(صلی الله علیه و آله) از میان رفت و تمام شد، امروز ببینید چطور دل‌های مردم دنیا را به خودش جذب کرده است! این، نه به صورت ایمان و باور، بلکه به صورت عشق است. از ایران، عربستان، هندوستان و از اقطار عالم، انسانهایی با اشتیاق به آنجا میروند. پس معلوم میشود که دستهای مادی، هیچ وقت نمیتوانند اصالتها را دفن کنند. اگر مردمی، ضعیف و بی عرضه باشند و جلوی چشم آنها اخفاء و کتمان انجام گیرد، چوب بی حمیتی و بی همتی خودشان را خواهند خورد. لکن خدای متعال، انسانهایی را برمی انگیزد، که خواهند توانست از آن اصالتها استفاده کنند.

از وقتی که حادثه ی کربلا اتفاق افتاد، تا آن زمانی که مردم، گروه گروه برای زیارت رفتند، این دایره همین طور وسیع شد؛ به خلاف وضع طبیعی عالم، که شما وقتی سنگی را در آب می اندازید، امواجی ایجاد میکند \_ یک دایره در محیط خودش به وجود می آورد \_ اما هرچه میگذرد، این دایره همین طور کوچک-تر میشود. در این حادثه، عکس این، اتفاق افتاده است؛ یعنی هرچه



این دایره وسیع تر شده، موجش بلندتر، نمایان تر، ماندگارتر، زاینده تر و جوشنده تر شده است.

امروز هم، مانع وجود دارد. حضراتی از بازماندگان جناب متوکل که آنجا هستند، حاضر نیستند تحمّل کنند! در همین سال های اخیر، تاکنون چند بار با جماعت هایی که در روز «اربعین» از بخش های مختلف عراق به سمت کربلا میرفتند، مقابله کرده اند. عشایر غیور و مؤمن عراق، آزمایشهای خونینی داشته اند؛ نمیگذارند خبرش پخش شود.

همین سه، چهار سال قبل از این هم، یک نمونه اش را داشتیم. اگر راه باز بود، آن وقت بیشتر دیده میشد که این شوق ها کجاست؛ این کانونهای عشق و شور و محبت در دلها چقدر فراوان است، چقدر گسترده است، چقدر پرعمق است! آخر محبت و عشق، یک آتش سوزنده است. بیشتر محبتها، مثل چوب خشکی که روی آتش میگذارید، شعله میکشد؛ اما ماندگار نیست، سطحی است. اما این محبت، یک محبت معنوی است و روزه روز اشتعالش بیشتر میشود؛ اصلاً خاموشی ندارد؛ فرو نشستن ندارد. این همان عامل معنوی است. خوش به حال کسانی که جرّقه ای از این شعله را در دلهای خودشان دارند. (۱)

ص: ۵۷

---

۱- در دیدار وزیر بازرگانی و هیئت همراه، پس از سفر کربلا، ۲۳/۸/۱۳۷۸.

## اربعین؛ اولین جوش چشمه های محبت حسینی

اولین شکوفه های عاشورایی در اربعین شکفته شد. اولین جوششهای چشمه ی جوشان محبت حسینی، که شط همیشه جاری زیارت را در طول این قرن‌ها به راه انداخته است، در اربعین پدید آمد. مغناطیس پُر جاذبه ی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جذب کرد. رفتن جابر بن عبدالله و عطیه به زیارت امام حسین (علیه السلام) (۱) در روز اربعین، (۲) سر آغاز حرکت پُر برکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و پی در پی این حرکت؛ پُر شکوه تر، پُر جاذبه تر و پُر شور تر شده است و نام و یاد عاشورا را روز به روز در دنیا زنده تر کرده است. (۳)

ص: ۵۸

---

۱- مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۲، صص ۱۹۰-۱۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، صص ۱۳۰-۱۳۱.

۲- مسار الشیعه، ص ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۵.

۳- پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۵، ۱/۱/۱۳۸۵.

امسال با تقارن عید نوروز با اربعین حسینی، عید و آغاز سال نو ما، رنگ حسینی گرفت و با نام حسین بن علی (علیه السلام)، سرور آزادگان جهان و سید شهیدان، رونق یافت. چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا \_ که بعضی روایت کرده اند (۱) \_ درست باشد یا درست نباشد، ظاهراً در این تردیدی نیست که جابر بن عبدالله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین \_ که نام او را بعضی عطیه (۲) گفته اند، بعضی عطا (۳) \_

گفته اند؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده (۴) \_ این راه را طی کردند و در این روز (۵) بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند.

شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند میکنند و به کربلا میکشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت (علیهم السلام) دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان

ص: ۵۹

- 
- ۱- الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۴۲۲؛ اللهوف، ص ۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، صص ۳۳۵-۳۳۶.
  - ۲- بشاره المصطفی، صص ۱۲۴-۱۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، صص ۱۳۰-۱۳۱.
  - ۳- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۹.
  - ۴- قاموس الرجال، ج ۷، صص ۲۰۹-۲۱۱؛ الأعلام، ج ۴، ص ۲۳۷.
  - ۵- العدد القویه، ص ۲۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، صص ۳۳۴-۳۳۵.

زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان؛ سیدالشهدا (علیه السلام).

جابر بن عبدالله جزو مجاهدین صدر اول است؛ از اصحاب بدر است؛<sup>(۱)</sup> یعنی قبل از ولادت امام حسین (علیه السلام)، جابر بن عبدالله در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بوده و در کنار او جهاد کرده است. کودکی، ولادت و نشو و نما، حسین بن علی (علیه السلام) را به چشم خود دیده است. جابر بن عبدالله به طور حتم بارها دیده بود که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حسین بن علی (علیه السلام) را در آغوش میگرفت، چشمهای او را میبوسید، صورت او را میبوسید، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به دست خود در دهان حسین بن علی (علیه السلام) غذا میگذاشت و به او آب میداد؛ اینها را به احتمال زیاد جابر بن عبدالله به چشم خود دیده بود. جابر بن عبدالله به طور حتم از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به گوش خودش شنیده باشد که حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) سرور جوانان اهل بهشتند.<sup>(۲)</sup> بعدها هم بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، موقعیت امام حسین (علیه السلام)، شخصیت امام حسین (علیه السلام) - چه در زمان خلفا، چه در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چه در مدینه و چه در کوفه - اینها همه جلوی چشم جابر بن عبدالله انصاری است.

حالا جابر شنیده است که حسین بن علی (علیه السلام) را به شهادت رسانده اند. جگر گوشه ی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را با لب تشنه شهید کرده اند. از مدینه راه افتاده است؛ از کوفه، عطیه با او همراه شده است. عطیه روایت میکند که: جابر بن عبدالله به کنار شط فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه ی سفید و تمیز پوشید و بعد با گامهای آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین (علیه السلام) روانه شد.

آن روایتی که من دیدم این طور است؛ میگوید: وقتی به قبر رسید، سه مرتبه با صدای بلند گفت: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر»؛ یعنی وقتی که می بیند

ص: ۶۰

- 
- ۱- التاريخ الكبير، ج ۲، ص ۲۰۷؛ إختيار معرفة الرجال، ج ۱، شرح صص ۲۰۵-۲۰۸.
  - ۲- المعجم الكبير، ج ۳، ص ۳۹؛ شرح الأخبار، ج ۳، ص ۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۷؛ ص ۱۱۹.

که چطور آن جگرگوشه ی پیغمبر و زهرا را، دست غارتگر شهواتِ طغیانگران، این طور با مظلومیت به شهادت رسانده، تکبیر میگوید. بعد میگوید: از کثرت اندوه، جابر بن عبدالله روی قبر امام حسین (علیه السلام) از حال رفت، غش کرد و افتاد. نمیدانیم چه گذشته است، اما در این روایت میگوید وقتی به هوش آمد، شروع کرد با امام حسین (علیه السلام) صحبت کردن:

«السلام علیکم یا آل الله السلام علیکم یا صفوه الله»؛<sup>(۱)</sup>

ای حسین مظلوم! ای حسین شهید!

ما هم امروز در اول این سال نو، از اعماق وجودمان عرض میکنیم: «السلام علیک یا اباعبدالله، السلام علی الحسین الشهید». شهادت تو، جهاد تو و ایستادگی تو، اسلام را رونق داد و دین پیامبر (صلی الله علیه وآله) را جان تازه بخشید. اگر آن شهادت نبود، از دین پیغمبر (صلی الله علیه وآله) چیزی باقی نمیماند. امروز دلهای ما هم مشتاق حسین بن علی (علیه السلام) و آن ضریح شش گوشه و آن قبر مطهر است. ما هم گرچه دوریم، ولی به یاد حسین بن علی (علیه السلام) و به عشق او سخن میگوییم. ما با خودمان عهد کرده ایم و عهد میکنیم که یاد حسین (علیه السلام)، نام حسین (علیه السلام) و راه حسین (علیه السلام) را هرگز از زندگی خودمان جدا نکنیم. همه ی ملت ما، همه ی کشور ما، همه ی شیعیان عالم و بلکه همه ی آزادگان در سرتاسر جهان، یک چنین احساسی نسبت به حسین بن علی (علیه السلام) دارند.<sup>(۲)</sup>

ص: ۶۱

---

۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۹.

۲- در صحن جامع رضوی، ۱/۱/۱۳۸۵.

## اربعین؛ شروع انتشار پیام کربلا

امروز روز اربعین است و حادثه ی بیست و نه بهمن تبریز هم یک حادثه ی اربعینی است. اربعین در حادثه ی کربلا، یک شروع بود، یک آغاز بود. بعد از آنکه قضیه ی کربلا-انجام گرفت، آن فاجعه ی بزرگ ائتفاق افتاد، و فداکاری بی نظیر اباعبدالله(علیه السلام) و اصحاب و یاران و خانواده اش در آن محیط محدود واقع شد؛ حادثه ی اسارت ها پیام را باید منتشر میکرد و خطبه ها و افشاگری ها و حقیقت گویی های حضرت زینب(سلام الله علیها) و امام سجّاد علیه الصّلاه والسلام مثل یک رسانه ی پر قدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهت گیری را در محدوده ی وسیعی منتشر میکرد و کرد.

## سکوت مرگبار؛ نتیجه ی اختناق یزیدی پس از عاشورا

خاصیت محیط اختناق این است که مردم فرصت و جرأت این را پیدا نمیکنند که حقایق را که فهمیده اند، در عمل خودشان نشان بدهند؛ چون اولاً دستگاه ظالم و مستبد نمیگذارد مردم بفهمند و اگر فهم مردم از دست او خارج شد و فهمیدند، نمیگذارد به آنچه فهمیده اند، عمل کنند. در کوفه، در شام، در بین راه، خیلی ها از زبان زینب کبری(سلام الله علیها) یا امام سجّاد علیه الصّلاه والسلام یا از دیدن وضع اسرا، خیلی چیزها را فهمیدند، ولی

کی جرأت میکرد، کی توانایی این را داشت که در مقابل آن دستگاه ظلم و استکبار و استبداد و اختناق، آنچه را که فهمیده است، بروز دهد؟ مثل یک عقده ای در گلوی مؤمنین باقی بود.

### اربعین؛ اولین جوشش برای شکستن فضای اختناق

این عقده، روز اربعین اولین نشتر را خورد؛ اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد.

مرحوم سیدبن طاووس - و بزرگان - نوشته اند که وقتی کاروان اسرا، یعنی جناب زینب (سلام الله علیها) و بقیه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالله انصاری و عطیه ی عوفی نبودند، «جماعه من بنی هاشم» عده ای از بنی هاشم، عده ای از یاران بر گرد تربت سیدالشهدا (علیه السلام) جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری (سلام الله علیها) آمدند. (۱) شاید این سیاست ولایی هم که زینب کبری (سلام الله علیها) اصرار کرد که برویم به کربلا - در مراجعت از شام (۲) - به خاطر همین بود که این اجتماع کوچک اما پرمعنا، در آنجا حاصل شود. حالا بعضی استبعاد کرده اند که چطور ممکن است تا اربعین به کربلا رسیده باشند. (۳) مرحوم شهید آیت الله قاضی یک نوشته ی مفصّلی دارد، (۴) اثبات میکنند که نه، ممکن است که این اتفاق افتاده باشد.

به هر حال آنچه در کلمات بزرگان و قدما هست، این است که وقتی زینب کبری (سلام الله علیها) و مجموعه ی اهل بیت (علیهم السلام) وارد کربلا شدند، عطیه ی عوفی و جناب جابر بن عبدالله و رجالی از بنی هاشم در آنجا حضور داشتند. این نشانه و نمونه ای از تحقق آن هدفی است که با شهادت-ها باید تحقق پیدا میکرد؛ یعنی گسترش این فکر و جرأت دادن به مردم. از همین جا

ص: ۶۳

---

۱- اللهوف، ص ۱۱۴.

۲- همان.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴.

۴- تحقیق درباره ی اولین اربعین سیدالشهدا (علیه السلام).

بود که ماجرای تَوَاب-ین به وجود آمد؛ اگر چه ماجرای تَوَاب-ین سرکوب شد،(۱) اما بعد با فاصله ی کوتاهی ماجرای قیام مختار و بقیه ی آن دلاوران کوفه ائتفاق افتاد(۲) و نتیجه ی در هم پیچیده شدن دودمان بنی امیه ی ظالم و خبیث بر اثر همین شد. البته بعد از او سلسله ی مروانی ها آمدند؛(۳) اما مبارزه ادامه پیدا کرد؛ راه باز شد.

این خصوصیت اربعین است؛ یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقّق هدف-های آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد.

عین همین قضیه در اربعین تبریز ائتفاق افتاد. من در گذشته هم به مردم عزیز تبریز این را گفته ام؛ اگر حادثه ی بیستونه بهمن در تبریز پیش نمی آمد، یعنی یاد شهدای قم به وسیله ی تبریزی ها آن طور با فداکاری زنده نگه داشته نمیشد، ممکن بود جریان مبارزه، مسیر دیگری را طی کند. بسیار احتمال داشت که این حادثه ی بزرگ با این شکلی که ائتفاق افتاد، ائتفاق نیفتد؛ یعنی قضیه ی تبریز و قیام مردم تبریز در بیستونه بهمن، یک حادثه ی تعیین کننده بود. ماجرای خون های ریخته شده در قم و اصل انگیزه ی حرکت قم را، ماجرای تبریز زنده و احیا کرد. طبعاً مردم در این راه هزینه کردند؛ جانهای خودشان، آسایش خودشان، امتیّت خودشان، همه را خرج کردند؛ لیکن نتیجه ای که گرفتند، بیداری کلّ کشور بود. لذا برای قم یک اربعین گرفته شد، برای اربعین شهدای تبریز در بیستونه بهمن هم چندین اربعین گرفته شد. این گسترش حرکت را نشان میدهد. خاصیت حرکت صحیح این است.(۴)

ص: ۶۴

---

۱- الطبقات الکبری، خامسه ۱، صص ۵۰۹-۵۱۰.

۲- الأخبار الطوال، صص ۲۸۸-۳۰۸؛ الأملی، طوسی، صص ۲۴۰-۲۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، صص ۳۳۲-۳۳۸.

۳- الأخبار الطوال، صص ۲۸۱-۲۸۵؛ الإختصاص، ص ۱۳۱.

۴- در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۲۸/۱۱/۱۳۸۷.



## وظیفه‌ی همگانی در زنده نگه داشتن خاطرات عزیز و اثرگذار

حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان میخواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبری (سلام الله علیها) نگذاشت. دو حرکت عمده‌ی ما \_ زینب کبری (علیها السلام) \_ انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اول یا دوم یا هرچه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده اند، تا زبان‌های حق گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپارند؛ همچنان که نتوانسته اند. این انگیزه‌های معاند و معارض در صدر اول تا دوران‌های طولانی باقی بود؛ یعنی متوکل عباسی بعد از حدود ۱۷۰ یا ۱۸۰ سال از حادثه‌ی عاشورا، درصدد برآمد قبر مطهر ابا عبد الله (علیه السلام) را تخریب کند؛ یعنی ملت ایران حالاً حالا باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه‌ها و خباثت‌های خودشان برای اینکه زیبایی‌های انقلاب از یاد برود ادامه بدهند. (۱)

ص: ۶۵

---

۱- در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی در حسینیه امام خمینی (ره)، ۱۷/۱۰/۱۳۹۳.

اگر ملت‌های کشورهای اسلامی در همه ی این منطقه ی وسیع \_ که یک کسر بسیار بزرگی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند \_ نه در جزئیات، [بلکه] در جهت گیری های کلی با یکدیگر همراه باشند، دنیای اسلام به اوج ترقی و تعالی خواهد رسید؛ [اینکه] در مسائل کلی کنار هم دیده بشوند؛ همین دیده شدن در کنار هم تأثیر دارد. اینکه رؤسای کشورهای اسلامی یا روشنفکران کشورهای اسلامی علیه یکدیگر حرف بزنند \_ ولو فقط حرف باشد \_ دشمن را جری می‌کند؛ به دشمن امید می‌دهد؛ همچنان که واقعیت امروز، همین است. همین قدر که ما ولو در اظهاراتمان کنار یکدیگر قرار بگیریم، عظمت میبخشد به دنیای اسلام؛ عظمت میبخشد به شخصیت امت اسلامی. هر جا نمونه هایی از این اجتماع را ما مشاهده کردیم، ولو تنها، جسمها در کنار هم قرار گرفتند، دیدیم انعکاس آن در دنیا مایه ی شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد؛ مایه ی آبروی پیغمبر شد. نماز عید را که میخوانیم، کنار هم قرار میگیریم، میگوییم: *الذی جعلته للمسلمین عیداً و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخراً و شرفاً و کرامتاً و مزیداً؛ صّرف کنار هم قرار گرفتن جسمها در نماز، برای پیغمبر مایه ی شرف است؛ برای امت اسلامی مایه ی اعزاز و احترام است. اجتماع حج همین جور است. امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی*

میلیونها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها \_ البته مخصوص شیعه نبود، سنیها هم بودند \_ که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.

من همینجا مناسب میدانم و لازم میدانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه ی عجیبی بود حادثه ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان \_ سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع \_ با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت. (۱)

ص: ۶۷

---

۱- در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در سالروز میلاد پیامبر اکرم و امام جعفر صادق (ع) ۱۳۹۳/۱۰/۱۹.

## راهپیمایی عظیم اربعین؛ از مظاهر بروز عزم و همت ملی

نگاهی به آنچه در سال ۹۳ گذشت، مشاهده میکنیم که عزم ملی بحمدالله بروز و ظهور داشت. ملت ما عزم راسخ خود را هم در تحمیل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت نشان داد، هم در روز بیست و دوم بهمن، در روز قدس و در راهپیمایی عظیم اربعین این عزم را، این همت را از خود بروز داد و نشان داد. (۱)

ص: ۶۸

---

۱- در پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴، ۱/۱/۱۳۹۴.

## فصل سوم : شرح زیارت اربعین

اشاره

ص: ۶۹



در زیارتی از زیارت‌های امام حسین (علیه السّلام) که در روز اربعین خوانده میشود، جمله ای بسیار پرمعنا وجود دارد و آن این است:

«و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله»<sup>(۱)</sup>.

فلسفه ی فداکاری حسین بن علی (علیه السّلام) در این جمله گنجانده شده است. زائر به خدای متعال عرض میکند که این بنده ی تو، این حسین تو، خون خود را نثار کرد تا مردم را از جهالت نجات بدهد. «و حیره الضّلاله»؛<sup>(۲)</sup> مردم را از سرگردانی و حیرتی که در گمراهی است، نجات بدهد. ببینید این جمله چقدر پرمغز و دارای چه مفهوم مترقی و پیشرفته ای است.

مسئله این است که بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطانهاست. همیشه شیطانهای بزرگ و کوچک، برای تأمین هدفهای خود، انسانها و توده های مردم و ملت‌ها را قربانی میکنند. در تاریخ گذشته هم این را خوانده اید و شرح حال سلاطین جابر و ستمگر و رفتار آنها با ملت‌ها و وضع امروز دنیا و روش قدرتهای بزرگ را دیده اید. بشر دستخوش اغوا و خدعه ی شیطانها قرار میگیرد. باید به بشر کمک کرد، باید به بندگان خدا مدد رساند، تا بتوانند

ص: ۷۱

---

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

۲- همان.

خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص شوند.

چه کسی میتواند این دست نجات را به سوی بشریت دراز کند؟ آن کسانی که چسبیده ی به مطامع و هوسها و شهوات باشند، نمیتوانند؛ چون خودشان گمراهند. آن کسانی که اسیر خودخواهی ها و متیّت ها باشند، نمیتوانند بشر را نجات بدهند؛ باید کسی پیدا بشود و خودشان را نجات بدهد؛ یا لطف خدا به سراغ آنها بیاید تا اراده ی آنها قوی بشود و بتوانند خودشان را رها کنند. آن کسی میتواند بشر را نجات بدهد که دارای گذشت باشد؛ بتواند ایثار کند و از شهوات بگذرد؛ از متیّت و خودپرستی و خودخواهی و حرص و هوی و حسد و بُخل و بقیّه ی گرفتاری هایی که معمولاً انسان دارد، بیرون بیاید تا بتواند شمعی فرا راه بشر روشن کند. (۱)

ص: ۷۲

---

۱- در دیدار فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان، جمعی از دانش آموزان مدارس تهران و مدرّسان مراکز تربیت معلّم، و گروهی از ورزشکاران و مسئولان سازمان تربیت بدنی کشور، ۲۱/۶/۱۳۶۹.



## شرح بخشی از زیارت اربعین

یک جمله در زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) ذکر شده است که مانند بسیاری از جملات این زیارت ها و دعا ها، بسیار پرمغز و در خور تأمل و تدبّر است. امروز به مناسبت روز تاسوعا و روز عزا، در خطبه ی اوّل قدری پیرامون همین جمله، که ناظر به جهت قیام حسینی است، عرایضی عرض میکنیم. آن جمله این است:

«و بذل مهجته فیک».

این زیارت اربعین است؛ منتها فقره های اوّل آن، دعاست که گوینده ی این جملات خطاب به خداوند متعال عرض میکند: «و بذل مهجته فیک»؛ یعنی حسین بن علی (علیه السلام)، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لیستنقذ عبادک من الجهاله»؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «و حیره الضّلاله»؛<sup>(۱)</sup> و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند.

این یک طرف قضیه؛ یعنی طرف قیام کننده، حسین بن علی (علیه السلام) است.

طرف دیگر قضیه، در فقره ی بعدی معرّفی میشود:

«و قد توازر علیه من غرّته الدّنيا و باع حظّه بالأرذل الأدنی»؛<sup>(۲)</sup>

ص: ۷۳

---

۱- مصباح المتهدج، ص ۷۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

۲- همان.

نقطه ی مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بی خودشان کرده بود؛ «و باع حظه بالأرذل الأدنی»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است \_ این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت \_ به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند. این، خلاصه ی نهضت حسینی است.

با مذاقه در این بیان، انسان احساس میکند که نهضت حسینی در واقع با دو نگاه قابل ملاحظه است، که هر دو هم درست است؛ اما مجموع دو نگاه، نشان دهنده ی ابعاد عظیم این نهضت است.

یک نگاه، حرکت ظاهری حسین بن علی (علیه السلام) است، که حرکت علیه یک حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوبگر \_ یعنی حکومت یزید \_ است؛ اما باطن این قضیه، حرکت بزرگتری است که نگاه دوم، انسان را به آن میرساند، و آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است.

در حقیقت، امام حسین (علیه السلام) اگرچه با یزید مبارزه میکند، اما مبارزه ی گسترده ی تاریخی وی با یزیدِ کوتاه عمر (۱) بی ارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین (علیه السلام) با اینها مبارزه میکند...

### خلاصه ی نهضت حسینی

اگر بخواهیم ماجرای امام حسین (علیه السلام) را در سطور خلاصه کنیم، این طور میشود: بشریت، دچار ظلم و جهل و تبعیض بود. حکومتهای بزرگ دنیا، که حکومت قیصر و کسرای آن زمان است \_ چه در ایران آن روز، چه در امپراتوری روم آن روز \_ حکومت اشرافیگری و حکومت غیرمردمی و حکومت شمشیر بی منطق و حکومت جهالت و فساد بود. حکومتهای کوچکتتر هم

ص: ۷۴

---

۱- تاریخ الطبری، ج ۴، صص ۳۸۳-۳۸۴؛ ذوب النضار، ص ۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۵۶.

مثل آنچه که در جزیره العرب بود، از آنها بدتر بودند و مجموعاً جاهلیتی دنیا را فرا گرفته بود.

در این میان، نور اسلام به وسیله ی پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) و با مدد الهی و مبارزات عظیم و توان فرسای مردمی، توانست اوّل یک منطقه از جزیره العرب را روشن کند و بعد بتدریج گسترش یابد و شعاع آن همه جا را فرا گیرد. وقتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) از دنیا میرفت، این حکومت، حکومت مستقرّی بود که میتوانست الگوی همه ی بشریت در طول تاریخ باشد؛ و اگر آن حکومت با همان جهت ادامه پیدا میکرد، بدون تردید تاریخ عوض میشد؛ یعنی آنچه که بنا بود در قرنهای بعد از آن \_ در زمان ظهور امام زمان(علیه السّلام) در وضعیّت فعلی \_ پدید آید، در همان زمان پدید آمده بود. دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبّت، دنیای دوران امام زمان(علیه السّلام) است، که زندگی بشر هم از آنجا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان(علیه السّلام) است که خدا میداند بشر در آنجا به چه عظمتهایی نایل خواهد شد.

بنابراین، اگر ادامه ی حکومت پیامبر(صلی الله علیه و آله) میسر میشد و در همان دوره های اوّل پدید می آمد و تاریخ بشریت عوض میشد، فرجام کار بشری مدّت ها جلو می افتاد، اما این کار به دلایلی نشد.

خصوصیّت حکومت پیامبر(صلی الله علیه و آله) این بود که به جای ابتدای بر ظلم، ابتدای بر عدل داشت؛ به جای شرک و تفرقه ی فکری انسان، متّکی بر توحید و تمرکز بر عبودیت ذات مقدّس پروردگار بود؛ به جای جهل، متّکی بر علم و معرفت بود؛ به جای کینه ورزی انسانها با هم، متّکی بر محبّت و ارتباط و اتّصال و رفق و مدارا بود؛ یعنی یک حکومت از ظاهر و باطن آراسته. انسانی که در چنین حکومتی پرورش پیدا میکند، انسانی باتقوا، پاکدامن، عالم، با بصیرت، فعّال، پُرنشاط، متحرّک و رو به کمال است.

با گذشت پنجاه سال، قضایا عوض شد. اسم، اسم اسلام ماند؛ نام، نام اسلامی بود؛ اما باطن، دیگر اسلامی نبود. به جای حکومت عدل، باز حکومت ظلم بر سر کار آمد؛ به جای برابری و برادری، تبعیض و دودستگی و شکاف طبقاتی به وجود آمد؛ به جای معرفت، جهل حاکم شد. در این دوره ی پنجاه ساله، هرچه به طرف پایین می آییم، اگر انسان بخواهد از این سرفصل ها بیشتر پیدا کند، صدها شاهد و نمونه وجود دارد که اهل تحقیق باید اینها را برای ذهنهای جوان و جوینده روشن کنند.

امامت به سلطنت تبدیل شد! ماهیت امامت، با ماهیت سلطنت، مغایر و متفاوت و مناقض است. این دو ضد هم اند. امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم، اما سلطنت یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب؛ بدون هیچ گونه علقه ی معنوی و عاطفی و ایمانی.

این دو، درست نقطه ی مقابل هم است. امامت، حرکتی در میان امت، برای امت و در جهت خیر است. سلطنت یعنی یک سلطه ی مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص؛ برای ثروت اندوزی و برای شهوت رانی گروه حاکم.

آنچه که ما در زمان قیام امام حسین (علیه السلام) می بینیم، دومی است، نه آن اولی؛ یعنی یزیدی که بر سر کار آمده بود، نه با مردم ارتباط داشت، نه علم داشت، نه پرهیزگاری و پاکدامنی و پارسایی داشت، نه سابقه ی جهاد در راه خدا داشت، نه ذره ای به معنویات اسلام اعتقاد داشت، نه رفتار او رفتار یک مؤمن و نه گفتار او گفتار یک حکیم بود. هیچ چیزش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) شباهت نداشت. (۱)

در چنین شرایطی، برای کسی مثل حسین بن علی (علیه السلام) که خود او

ص: ۷۶

---

۱- أنساب الأشراف، ج ۵، صص ۲۸۶-۲۸۸؛ مروج الذهب، ج ۳، صص ۶۷-۶۸؛ الأغانی، ج ۱۷، ص ۱۹۲.

همان امامی است که باید به جای پیامبر (صلی الله علیه وآله) قرار گیرد،<sup>(۱)</sup> فرصتی پیش آمد و قیام کرد.

اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام علیه حکومت فاسد و ضدّ مردمی یزید است؛ اما در باطن، یک قیام برای ارزشهای اسلامی و برای معرفت و برای ایمان و برای عزّت است؛ برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند.

لذا ابتدا که از مدینه خارج شد، در پیام به برادرش محمد بن حنفیه \_ و در واقع در پیام به تاریخ \_ چنین گفت:

«أنتی لمأخرج أشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً»؛

من با تکبر، با غرور، از روی فخر فروشی، از روی میل به قدرت و تشنه ی قدرت بودن قیام نکردم؛

«إنما خرجت لطلب الإصلاح فی امّہ جدی»؛<sup>(۲)</sup>

من می بینم که اوضاع در میان امّت پیامبر (صلی الله علیه وآله) دگرگون شده است؛ حرکت، حرکت غلطی است؛ حرکت، حرکت به سمت انحطاط است؛ در ضدّ جهتی است که اسلام میخواست و پیامبر (صلی الله علیه وآله) آورده بود. قیام کردم برای اینکه با اینها مبارزه کنم.

### نتیجه ی قیام؛ حکومت یا شهادت

مبارزه ی امام حسین (علیه السّلام) دو وجه دارد و ممکن است دو نتیجه به بار بیاورد؛ اما هر دو نتیجه خوب است. یک نتیجه این بود که امام حسین (علیه السّلام) بتواند بر حکومت یزید پیروز شود و قدرت را از چنگ کسانی که با زور بر سر مردم میکوبیدند و سرنوشت مردم را تباه میکردند، خارج کند و کار را در مسیر صحیح خود بیندازد. اگر این کار صورت میگرفت، البتّه باز

ص: ۷۷

۱- کمال الدین و تمام النعمه، صص ۲۵۶-۲۸۵.

۲- «جز این نیست که من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امّت جدّم خارج شدم.» بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

یک وجه دیگر، این بود که امام حسین (علیه السلام) نتواند به هر دلیلی این پیروزی سیاسی و نظامی را به دست بیاورد؛ آن وقت امام حسین (علیه السلام) در اینجا دیگر نه با زبان، بلکه با خون، با مظلومیت، با زبانی که تاریخ تا ابد آن را فراموش نخواهد کرد، حرف خود را مثل یک جریان مداوم و غیرقابل انقطاع در تاریخ به جریان می اندازد. و این کار را امام حسین (علیه السلام) کرد.

البته کسانی که دم از ایمان میزدند، اگر رفتاری غیر از آن داشتند که به امام حسین (علیه السلام) نشان دادند، شقّ اول پیش می آمد و امام حسین (علیه السلام) می-توانست دنیا و آخرت را در همان زمان اصلاح کند؛ اما کوتاهی کردند! البته بحث این-که چرا و چطور کوتاهی کردند، از آن بحث-های بسیار طولانی و مرارت باری است که بنده در چند سال قبل از این تحت عنوان «خواص و عوام»<sup>(۱)</sup> آن را مقداری مطرح کردم - یعنی چه کسانی کوتاهی کردند، گناه و تقصیر به گردن چه کسانی بود، چ-طور کوتاهی کردند، کجا کوتاهی کردند - که من نمیخواهم آن حرفها را مجدداً بگویم. بنابراین، کوتاهی شد و به خاطر کوتاهی دیگران، مقصود اول حاصل نشد؛ اما مقصود دوم حاصل گردید. این دیگر چیزی است که هیچ قدرتی نمی-تواند آن را از امام حسین (علیه السلام) بگیرد؛ قدرت رفتن به میدان شهادت، دادن جان و دادن عزیزان، آن گذشت بزرگی که از بس عظیم است، هر عظمتی که دشمن داشته باشد، در مقابلش کوچک و محو میشود.

### درخشش روز افزون اباعبدالله (علیه السلام)

و این خورشید درخشان، روزه روز در دنیای اسلام به نورافشانی بیشتری میپردازد و بشریت را احاطه میکند.

ص: ۷۸

---

۱- در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمّد رسول الله (ص)، ۲۰/۰۳/۱۳۷۵ و خطبه های نماز جمعه، ۱۸/۰۲/۱۳۷۷.

امروز بیش از پنج قرن و ده قرن پیش، حسین بن علی (علیه السلام) اسلام و شما، در دنیا شناخته شده است. امروز وضع به گونه ای است که متفکران و روشن فکران و آنهایی که بی غرض اند، وقتی به تاریخ اسلام برمیخورند و ماجرای امام حسین (علیه السلام) را می بینند، احساس خضوع میکنند. آنهایی که از اسلام سر در نمی آورند، اما مفاهیم آزادی، عدالت، عزت، اعتلا- و ارزشهای والای انسانی را می فهمند، با این دید نگاه میکنند و امام حسین (علیه السلام)، امام آنها در آزادی خواهی، در عدالت طلبی، در مبارزه با بدیها و زشتی ها و در مبارزه با جهل و زبونی انسان است.

### جهل و زبونی؛ ریشه ی مشکلات امروز بشریت

امروز هم هر جایی که بشر در دنیا ضربه خورده است \_ چه ضربه ی سیاسی، چه ضربه ی نظامی و چه ضربه ی اقتصادی \_ اگر ریشه اش را کاوش کنید، یا در جهل است، یا در زبونی. یعنی یا نمیدانند و معرفت لازم را به آنچه که باید معرفت داشته باشند، ندارند؛ یا اینکه معرفت دارند، اما خود را ارزان فروخته اند؛ زبونی را خریده اند و حاضر به پستی و دنائت شده اند! امام سجّاد و امیرالمؤمنین (علیهم السلام) - بنابر آنچه که از آنها نقل شده \_ فرموده اند:

«لیس لأنفسکم ثمنٌ إلاّ الجنّة فلا تتبعوها إلاّ بها»؛ (۱)

ای انسان! اگر بناست هستی و هویت و موجودیت تو فروخته شود، فقط یک بها دارد و بس و آن بهشت الهی است. به هرچه کمتر از بهشت بفروشی، سرت کلاه رفته است. اگر همه ی دنیا را هم به قیمت قبول پستی و ذلت و زبونی روح به شما بدهند، جایز نیست.

همه ی کسانی که در اطراف دنیا، تسلیم زر و زور صاحبان زر و زور شده اند و این زبونی را قبول کرده اند - چه عالم، چه سیاستمدار، چه فعال سیاسی و

ص: ۷۹

---

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ی ۴۵۶؛ تحف العقول، ص ۳۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، صص ۱۳ و ۳۰۳.

اجتماعی و چه روشن-فکر- به خاطر این است که ارزش خود را نشناختند و خود را فروختند. بسیاری از سیاستمداران دنیا خودشان را فروخته اند. عزّت، فقط این نیست که انسان روی تخت سلطنت یا ریاست بنشیند؛ گاهی یک نفر بر تخت سلطنت نشسته است، به هزاران نفر هم با تکبر فخرفروشی میکند و زور میگوید، اما در عین حال زبون و اسیر یک قدرت و یک مرکز دیگر است؛ اسیر تمایلات نفسانی خود است، که البته اسرای سیاسی امروز دنیا به این آخری نمیرسند، چون اسیر قدرتها و اسیر مراکزند!... امام حسین (علیه السلام) خواست این زبونی را از انسانها بگیرد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مقابل مردم مثل بندگان غذا میخورد و مثل بندگان میشست؛ نه مثل اشراف زاده ها:

«کان رسول الله يأكل أكل العبد و يجلس جلوس العبد»؛<sup>(۱)</sup>

پیامبر (صلی الله علیه و آله) جزو فامیلهای اشراف زاده بود،<sup>(۲)</sup> اما رفتار او با مردم خود، رفتار متواضعانه ای بود؛ به آنها احترام میکرد؛ به آنها فخر و تعنّد نمیفروخت. امّا اشاره و نگاه مبارکش بر تن امپراتوران آن روز عالم \_ در سال-های آخر عمرش لرزه می انداخت. این عزّت است.

امامت یعنی دستگاهی که عزّت خدایی را برای مردم به وجود می آورد؛ علم و معرفت به مردم میدهد؛ رفق و مدارا را میان آنها ترویج میکند؛ ابّهت اسلام و مسلمین را در مقابل دشمن حفظ میکند. امّا سلطنت و حکومتهای جائزانه، نقطه ی مقابل آن است.

امروز در بسیاری از کشورهای دنیا، اسم زمامداران پادشاه نیست، امّا در واقع پادشاه اند. اسم شان سلطان نیست و ظواهر دموکراسی هم در آنها جاری است، امّا در باطن، همان سلطنت است؛ یعنی رفتار تعنّدآمیز با مردم و رفتار ذلّت آمیز با هر قدرتی که بالاسر آنها باشد! حتی شما می بینید

ص: ۸۰

۱- المحاسن، ج ۲، ص ۴۵۶؛ بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۵۵.

۲- أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۶۴؛ الهدایه الکبری، ص ۱۷۵؛ بحارالأنوار، ج ۱۵، ص ۳۴۴.



که در یک کشور بزرگ و مقتدر، رؤسای سیاسی آنها باز به نوبه ی خود مقهور و اسیر دست صاحبان کمپانیها، مراکز شبکه ای پنهان جهانی، مراکز مافیایی و مراکز صهیونیستی هستند. مجبورند طبق میل دل آنها حرف بزنند و موضع گیری کنند، برای اینکه آنها نرنجند. این سلطنت است. وقتی که در رأس، ذلت و زبونی وجود داشت، در قاعده و بدنه هم ذلت و زبونی وجود خواهد داشت. امام حسین (علیه السلام) علیه این قیام کرد.

### معنویت، عزت و عبودیت مطلق در تمام لحظات قیام حسینی

در رفتار امام حسین (علیه السلام)، از اولی که از مدینه حرکت کرد، تا مثل فردایی که در کربلا- به شهادت رسید، همان معنویت و عزت و سرافرازی و درعین حال عبودیت و تسلیم مطلق در مقابل خدا محسوس است. در همه ی مراحل هم این طور است. آن روز که صدها نامه و شاید هزارها نامه با این مضمون برای او آوردند که ما شیعیان و مخلصان توایم و در کوفه و در عراق منتظرت هستیم،<sup>(۱)</sup> دچار غرور نشد. آنجا که سخترانی کرد و فرمود:

«حَطَّ الموت علی ولد آدم مَخَطَّ القلاده علی جید الفتاه»،<sup>(۲)</sup>

صحبت از مرگ کرد. نگفت چنان و چنین میکنیم. دشمنانش را تهدید و دوستانش را تطمیع به تقسیم مناصب کوفه نکرد. حرکت مسلمانانه همراه با معرفت، همراه با عبودیت و همراه با تواضع، آن وقتی است که همه ی دست-ها را به طرفش دراز کرده اند و نسبت به او اظهار ارادت میکنند.

آن روز هم که در کربلا- همراه یک جمع کمتر از صد نفر،<sup>(۳)</sup> توسط سیهزار<sup>(۴)</sup> جمعیت از ارادل و اوباش محاصره شد و جانش را تهدید کردند، عزیزانش را

ص: ۸۱

---

۱- تاریخ الطبری، ج ۴، صص ۲۶۱-۲۶۲؛ الفتوح، ج ۵، صص ۲۷-۲۹؛ الإرشاد، ج ۲، صص ۳۶-۳۸؛ تذکره الخواص، ص ۲۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، صص ۳۳۳-۳۳۴.

۲- «مرگ، قلاده ای است بر گردن جمیع فرزندان آدم، همان طور که بر گردن دختران است.» مشیر الأ-حزان، ص ۲۹؛ کشف الغمه، ج، ص ۲۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶.

۳- الفتوح، ج ۵، ص ۱۰۱؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴.

۴- الأمالی، صدوق، ص ۵۴۷؛ عمده الطالب، ص ۱۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸.

تهدید کردند، زن ها و حرمش را تهدید به اسارت کردند، ذره ای اضطراب در این مرد خدا و این بنده ی خدا و این عزیز اسلام مشاهده نشد.

آن راوی که حوادث روز عاشورا را نقل کرده و در کتابها دهن به دهن منتقل شده است، میگوید:

«فوالله ما رأيت مكثوراً»<sup>(۱)</sup>.

مکثور، یعنی کسی که امواج غم و اندوه بر سرش بریزد؛ بچه اش بمیرد، دوستانش نابود شوند، ثروتش از بین برود و همه ی امواج بلا به طرفش بیاید. راوی میگوید: من هیچ کس را در چهار موجه ی بلا مثل حسین بن علی (علیه السّلام) محکم دل تر و استوارتر ندیدم؛ «أربط جأشاً»<sup>(۲)</sup> در میدانهای گوناگون جنگ-ها، در میدانهای اجتماعی، در میدان سیاست، انسان به آدمهای گوناگونی برخورد میکند؛ کسانی که دچار غم-های گوناگونند. راوی میگوید: هرگز ندیدم کسی در چنین هنگامه ای با این همه مصیبت، مثل حسین بن علی (علیه السّلام)؛ چهره ای شاد، مصمم، حاکی از عزم و اراده و متوکل به خدا داشته باشد. این همان عزّت الهی است.

این جریان را امام حسین (علیه السّلام) در تاریخ گذاشت و بشر فهمید که باید برای چنان حکومت و جامعه ای مبارزه کند؛ جامعه ای که در آن پستی و جهالت و اسارت انسان و تبعیض نباشد. همه باید برای چنان اجتماعی جهاد کنند که به وجود بیاید و می آید و ممکن است...

### نمره ی زنده نگه داشتن پیام عاشورا

اگر پیام امام حسین (علیه السّلام) را زنده نگه میداریم، اگر نام امام حسین (علیه السّلام) را بزرگ میشماریم، اگر این نهضت را حادثه ی عظیم انسانی در طول تاریخ میدانیم و بر آن ارج مینهیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو

ص: ۸۲

۱- تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۵؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۰.

۲- همان.

برویم و انگشت اشاره ی امام حسین (علیه السلام) را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدف-ها برسیم و ملت ایران إن شاء الله خواهد رسید. نام امام حسین (علیه السلام) را خدا بزرگ کرده است و حادثه ی کربلا را در تاریخ نگه داشته است. اینکه میگویم ما بزرگ نگه داریم، معنایش این نیست که ما این کار را میکنیم؛ نه. این حادثه بسی عظیم تر از آن است که حوادث گوناگون دنیا بتواند آن را کم رنگ کند و از بین ببرد.

### فلسفه ی به همراه بردن خاندان، توسط امام حسین (علیه السلام)

امروز روز تاسوعا و فردا روز عاشورا است. روز عاشورا، اوج همین حادثه ی عظیم و بزرگ است. حسین بن علی (علیه السلام) با ساز و برگ جنگ به کربلا- نیامده بود. کسی که میخواهد به میدان جنگ برود، سرباز لازم دارد، امّا امام حسین بن علی (علیه السلام) زنان و فرزندان خود را هم با خود آورده است. (۱) این به معنای آن است که اینجا باید حادثه ای اتفاق بیفتد که عواطف انسانها را در طول تاریخ همواره به خود متوجه کند، تا عظمت کار امام حسین (علیه السلام) معلوم شود. امام حسین (علیه السلام) میدانند که دشمن پست و رذل است؛ می بیند کسانی که به جنگ او آمده اند، عدّه ای جزو اراذل و اوباش کوفه اند که در مقابل یک پاداش کوچک و حقیر، حاضر شده اند به چنین جنایت بزرگی دست بزنند؛ (۲)

میدانند که بر سر زن و فرزند او چه خواهند آورد. امام حسین (علیه السلام) از اینها غافل نیست؛ امّا در عین حال تسلیم نمیشود، از راه خود برنمیگردد، بر حرکت در این راه پافشاری میکند. پیداست که این راه چقدر مهم است؛ این کار چقدر بزرگ است. (۳)

ص: ۸۳

- 
- ۱- الأخبار الطوال، ص ۲۲۸؛ روضه الواعظین، ص ۱۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶.
  - ۲- مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، صص ۳۴۳-۳۴۴؛ تذکره الخواص، ص ۲۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، صص ۵۹-۶۰.
  - ۳- . در خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۶/۱/۱۳۷۹.



فصل اول: حضرت زینب (سلام الله علیها)

فهرست تیترو

آگاهی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) از جوشش خون حسین بن علی (علیه السلام).. ۱۱

چکیده

حضرت زینب (سلام الله علیها) از جوشش سیلاب شهادت در طول تاریخ، در اثر فداکاری امام حسین (علیه السلام) آگاه بود.. ۱۱

سقوط قدرتهای طاغوتی و بقای اسلام و تشیع، نتیجه ی خون شهیدان کربلاست.. ۱۱

در تمام انقلابهای معاصر اسلامی، نبض خون امام حسین (علیه السلام) میتپد.. ۱۲

فهرست تیترو

حماسه ی حضرت زینب (سلام الله علیها) در حادثه ی عاشورا.. ۱۳

چکیده

حضرت زینب (سلام الله علیها) با تحمل داغهای عاشورا و تقدیم پیکر بی جان برادر به پیشگاه خدا، حماسه آفرید ۱۳

فهرست تیترو

کلام حضرت زینب (سلام الله علیها) درباره ی آینده ی کربلا.. ۱۴

چکیده

حضرت زینب (سلام الله علیها) عصر عاشورا، برافراشته شدن پرچم کربلا را در طول تاریخ نوید داد ۱۴

فهرست تیترو

عظمتهای وداع امام حسین (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها).. ۱۵

صحنه ی وداع امام حسین (علیه السلام) با زینب کبری فارغ از تأثرانگیز بودن آن، صحنه ای بی نظیر و با عظمت است.. ۱۵

عظمت‌های وداع امام حسین (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) عبارتند از:.. ۱۵

۱. همدردی در فقدان جد، پدر، مادر و برادر؛.. ۱۵

۲. متمرکز شدن محبت ایشان در یکدیگر؛.. ۱۵

۳. همراهی در سفری خطرناک؛.. ۱۵

۴. غربت لحظه ی وداع؛.. ۱۵

۵. مسئولیت زینب کبری (سلام الله علیها) پس از شهادت امام (علیه السلام).. ۱۵

زینب کبری (سلام الله علیها)، با سیدالشهدا (علیه السلام) در سفر کربلا- همراه میشود، چون نمیتواند لحظهای از برادر جدا شود.. ۱۶

دگرگون شدن حال زینب کبری (سلام الله علیها) در شب عاشورا، نشانه‌های از شدت علاقه ی او به برادر است.. ۱۹

هنگامه ی وداع، لحظه ی غربت و لحظه ی آغاز مسئولیت سنگین حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) است.. ۱۶

انقلاب اسلامی، روح عاشورا را در ملت ایران احیاء کرد.. ۱۷

فهرست تیترو

عظمت شخصیت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها).. ۱۹

چکیده

شناخت حضرت زینب (سلام الله علیها) در گرو درک دو عنصر است:.. ۱۹

۱. شرایط و اوضاع جامعه ی آن روز؛.. ۱۹

۲. اقدام و رفتار مناسب حضرت زینب (سلام الله علیها).. ۱۹

زینب کبری (سلام الله علیها) از جهادی به ظاهر بیفرجام، دشواری سفر و عهده دار بودن رهبری کاروان پس از شهادت

اباعبدالله (علیه السلام) آگاهی داشت.. ۱۹

حضرت زینب (سلام الله علیها) در همه ی مراحل حوادث کربلا، نقش یک حکیم شجاعِ قدرتمند و پرجذبه را ایفاء میکند..۱۹

رفتارهای حضرت زینب (سلام الله علیها) در مواجهه با وقایع کربلا، در تاریخ ماندگارند..۲۰

رفتارهای زینب کبری (سلام الله علیها) در برخورد با سنگین ترین مصائبِ عالم، حکیمانه و شگفت آورند..۲۰

حرکت زینب کبری (سلام الله علیها) به اندازه ی شهادت امام حسین (علیه السلام) ممتاز بود و عظمت داشت..۲۱

عظمت زینب کبری (سلام الله علیها) در جمع شدن تمام خصوصیات برجسته ی شخصیت های عظیم تاریخ در این زن

است..۲۱

ص: ۸۶

زینب کبری (سلام الله علیها) در مسئولیت خطیر خود پس از عاشورا موفق بود.. ۲۲

حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) معجزه ی اسلام در دوران حاکمیت جاهلیت در جهان است.. ۲۲

زن در عصر جاهلیت و پیش از ظهور اسلام؛ در نهایت انحطاط، فساد، ذلت و ناتوانی به سر میبرد.. ۲۲

امروز نیز اسلام میتواند معجزه ی خود را در تربیت بانوانی بزرگ چون حضرت زینب (سلام الله علیها) تکرار کند.. ۲۳

نگاه امروز غرب به زن، همان نگاه دوران جاهلیت است.. ۲۳

دنباله روی زن مسلمان از تعالیم اسلام، موجب پدید آمدن زنانی برجسته با وجود جنجال جوسازانه ی غرب خواهد شد.. ۲۴

فهرست تیترو

موقعیت شناسی و تکلیف محوری زینب کبری (سلام الله علیها).. ۲۵

زینب کبری (سلام الله علیها)؛ الگوی زنان عالم.. ۲۶

چکیده

عظمت زینب (سلام الله علیها) ناشی از عمل به تکلیف است، نه داشتن نسبت با امامان (علیهم السلام).. ۲۵

عظمت حضرت زینب (سلام الله علیها) ناشی از شناخت موقعیتهای و انتخابهای صحیح در این موقعیتهاست.. ۲۵

پیش از حرکت امام (علیه السلام) به کربلا، چهره هایی چون ابن عباس و ابن جعفر سردرگم شدند؛ ولی زینب کبری (سلام الله

علیها) موقعیت را شناخت.. ۲۶

زینب کبری (سلام الله علیها) به جایی رسید که تنها والاترین انسانها، یعنی پیامبران میتوانند به آنجا برسند.. ۲۶

فهم، هوشیاری و انتخاب درست، سرمشقه های رفتاری حضرت زهرا و زینب کبری (سلام الله علیها) برای زنان عالمند.. ۲۶

حضرت زینب و حضرت سکینه (سلام الله علیها)، مشعلهای علم و معرفت در همه ی تاریخ اسلامند.. ۲۷

فهرست تیترو

تحمل شجاعانه ی بار امانت.. ۲۸

چکیده



حرکت امام حسین (علیه السلام)، نجات بخش تاریخ است.. ۲۸

فهرست تیترا

پاسداری زینب کبری (سلام الله علیها) از اسلام.. ۲۹

ص: ۸۷

## چکیده

حضرت زینب (سلام الله علیها) با ایستادگی خود، از روح کلی اسلام و جامعه ی اسلامی پرستاری و پاسداری نمود.. ۲۹

فهرست تیترا

زینب کبری (سلام الله علیها)؛ الگوی همیشگی... ۳۰

## چکیده

برخی از صفات زینب کبری (سلام الله علیها) عبارتند از: ۳۰

۱. معرفت والا؛... ۳۰

۲. استقامت در برابر حادثه ای بزرگ و دستگاه جبار نازید؛... ۳۱

۳. شور و عاطفه به همراه متانتی آگاهی بخش؛... ۳۱

۴. شجاعت در ورود به عرصه های خطرناک؛... ۳۱

۵. تسلی بخشی دیگران در حادثه ی عاشورا.. ۳۱

فهرست تیترا

زینب کبری (سلام الله علیها) بنیانگذار بنای حفظ حوادث با هنر.. ۳۲

## چکیده

اگر اقدام حضرت زینب (سلام الله علیها) و امام سجّاد (علیه السلام) نبود، حادثه ی عاشورا در تاریخ ماندگار نمیشد.. ۳۲

خطبه های حضرت زینب (سلام الله علیها) در شهر کوفه و شام، از لحاظ زیبایی و جذّابیت بیان، آیت های بیان هنری اند.. ۳۲

فهرست تیترا

حفظ حادثه ی عاشورا از سوی امام سجّاد و زینب کبری (سلام الله علیها).. ۳۴

## چکیده

مردم غیور و شجاع تبریز با اقدام خود، حادثه ی قم را تبدیل به یک جریان کردند.. ۳۴

امام سجّاد و زینب کبری (سلام الله علیها) با اقدام خود، مانع از دفن شدن قیام عاشورا در کربلا شدند.. ۳۴

فهرست تیترا

دهه ی آخر صفر؛ دهه ی زینب کبری (سلام الله علیها).. ۳۵

چکیده

زینب کبری (سلام الله علیها) به عنوان یک ولی الهی، همراه امام حسین (علیه السّلام) و بعد از عاشورا درخشش بی نظیری از خود نشان داد.. ۳۵

ص: ۸۸

قرآن کریم نمونه های کاملی از کفر و ایمان زنان را بیان مینماید..۳۶

یک مقایسه ی کوتاه بین زینب کبری (سلام الله علیها) و همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری را نشان میدهد..۳۶

بقای دین، مدیون حرکت امام حسین (علیه السلام) و صبر و ایستادگی زینب کبری (سلام الله علیها) است..۳۸

فهرست تیترو

زینب (سلام الله علیها)؛ عامل پیروزی خون بر شمشیر..۳۹

عظمت خطبه ی تاریخی حضرت زینب (سلام الله علیها)..۴۰

عظمت زینب کبری (سلام الله علیها)..۴۲

چکیده

از آثار مجاهدت زینب کبری (سلام الله علیها) ذلت دشمن در کاخ ریاستش است..۴۰

خطبه ی تاریخی حضرت زینب (سلام الله علیها)، متضمن تحلیل وضع جامعه ی اسلامی، با زیباترین کلمات و غنی ترین مفاهیم

است..۴۰

زینب کبری (سلام الله علیها) در خطبه ی بی نظیر خود، آسیب شناسی عمیقی از جامعه ی عصر خویش ارائه میدهد..۴۰

بصیرت زینب کبری (سلام الله علیها) در تحلیل واقعه ی عاشورا و ارتباط آن با آسیبهای انقلاب نبوی و انقلاب علوی، بیانگر

عظمت ایشان است..۴۲

فصل دوم: اربعین

فهرست تیترو

اربعین؛ پایه گذاری سنت زیارت و احیای یاد کربلا..۴۵

انقلاب اسلامی؛ تجربه ی دوباره ی پیروزی خون بر شمشیر..۴۷

چکیده

بی خبری نسلها از شهادت امام حسین (علیه السلام) در اثر فراموشی یاد و خاطره ی آن، به معنای هدر رفتن خون حضرت

است..۴۵

باید خاطره ی شهادت امام حسین (علیه السّلام) که درس مقاومت در مقابل یزیدیهای زمان است، برای همه ی نسلها حفظ شود..۴۵

شهادی که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر شود، اسوه میشود..۴۶

مظلومیت باید فریاد شود و به گوش انسانهای دیگر برسد..۴۶

دستگاه استکباری همواره برای از بین بردن یاد و خاطره ی شهادت امام حسین (علیه السّلام) تلاش کرده است..۴۶

اثرگذاری و جوشش خون شهید در سایه ی یاد او میسر است..۴۶

اربعینِ اوّل، س-ر آغاز برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلاست..۴۷

ص: ۸۹

انقلاب اسلامی از فرهنگ عاشورا درس مبارزه با یزیدیان زمان را آموخته است..۴۷

حضرت زینب(سلام الله علیها) عصر عاشورا، برافراشته شدن پرچم کربلا را در طول تاریخ نوید داد..۴۸

فهرست تیترو

اربعین؛ امتداد حرکت عاشورا..۴۹

چکیده

حضور اهل بیت(علیهم السّلام) بر مزار ابا عبدالله(علیه السّلام) در اربعین را نباید بر رفتار عادی و رایج زیارت امام حسین(علیه السّلام) حمل کرد..۴۹

دلایل حضور امام سجّاد(علیه السّلام) و حضرت زینب کبری(سلام الله علیها) بر مزار امام حسین(علیه السّلام)..۴۹

۱. مسلمانان بدانند حادثه ی عاشورا تمام نشده است؛..۴۹

۲. کربلا میعادگاه شیعیان است؛..۵۰

۳. تلاش در راه تشکیل نظام اسلامی حتّی در حدّ شهادت، از یاد مسلمانان نرود..۵۰

زیارت اربعین از پرمغزترین زیارتهاست..۵۰

فهرست تیترو

اربعین؛ پایه گذاری یاد نهضت حسینی..۵۱

چکیده

دستاورد شهادت، با زنده نگاه داشتن یاد شهدا حفظ شدنی است..۵۱

رمز زنده ماندن عاشورا، تلاش حضرت زینب(سلام الله علیها) و امام سجّاد(علیه السّلام) در تبیین فلسفه ی آن است..۵۱

انگیزه ی امام صادق(علیه السّلام) از تشویق شعر عاشورایی، مقابله با تبلیغ دشمن بود..۵۲

وظیفه ی بازماندگان امام حسین(علیه السّلام)، به اندازه ی مجاهدت حضرت و یارانش، دشوار بود..۵۲

درس اربعین، حفظ خاطره ی شهادت در طوفان تبلیغات دشمن است..۵۳

تبلیغات دستگاه ظلم، حقایق کربلا- را واژگون نشان میداد؛ اما تبلیغات دستگاه امامت، بافته های آنها را گسست و حق را آشکار کرد..۵۳

فهرست تیترا

ذکر مصیبت در اربعین سیدالشهدا(علیه السلام)..۵۴

چکیده

در روز اربعین، اولین زائران اباعبدالله الحسین(علیه السلام) بر سر قبر امام معصوم شهید جمع شدند..۵۴

ص: ۹۰

گسترده‌گی روزافزون زیارت کربلا..۵۶

چکیده

دست‌های مادی هیچ وقت نمیتوانند اصالت‌های معنوی را دفن کنند..۵۶

موانع زیارت کربلا همواره وجود داشته‌اند، ولی زیارت امام حسین (علیه السلام) روزه روز پرشورتر شده است..۵۷

محبت معنوی، محبت عمیق و عشقی سوزان است..۵۷

محبت‌های مادی، سطحی و زودگذرند..۵۷

اربعین؛ شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی..۵۹

چکیده

رفتن جابرین عبدالله به زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز اربعین، آغاز حرکتی بود که در طول قرن‌ها پیوسته پرشورتر شده

است..۵۸

اربعین؛ آغاز دل‌ربایی حسینی..۵۹

چکیده

جابرین عبدالله انصاری و عطیه در روز اربعین بر مزار شهید کربلا حاضر شدند..۵۹

اربعین؛ آغاز جاذبه‌ی زیارت حسینی بود که تا امروز تداوم یافته است..۵۹

جابرین عبدالله انصاری نسبت به شخصیت عظیم الشان اباعبدالله (علیه السلام) معرفت داشت..۶۰

خبر شهادت مظلومانه‌ی جگرگوشه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، جابر را از مدینه به کربلا کشاند..۶۰

جابر بر مزار اباعبدالله (علیه السلام) بشدت متأثر میگردد و از کثرت اندوه بیهوش میشود..۶۱



ایستادگی و شهادت امام حسین (علیه السلام)، جان تازه ای به اسلام بخشید.. ۶۱

ما با خود عهد میکنیم که نام و یاد و راه امام حسین (علیه السلام) را هرگز فراموش نکنیم.. ۶۱

فهرست تیترا

اربعین؛ شروع انتشار پیام کربلا.. ۶۲

سکوت مرگبار؛ نتیجه ی اختناق یزیدی پس از عاشورا.. ۶۲

اربعین؛ اولین جوشش برای شکستن فضای اختناق.. ۶۳

وظیفه ی همگانی در زنده نگه داشتن خاطرات عزیز و اثرگذار.. ۶۵

نقش گردهمایی اربعین به عنوان بزرگترین گردهمایی جهان.. ۶۶

راهپیمایی عظیم اربعین؛ از مظاهر بروز عزم و همت ملی.. ۶۸

ص: ۹۱

## چکیده

انتشار پیام عاشورا با خطبه ها و افشاگریهای حضرت زینب (سلام الله علیها) و امام سجّاد (علیه السلام) صورت پذیرفت.. ۶۲

خاصیت محیط اختناق، جلوگیری از فهم و حرکت مردمی است.. ۶۲

به احتمال قوی، اهل بیت (علیهم السلام) در اربعین اول به کربلا رسید هاند.. ۶۳

اربعین، سرمنشأ گسترش فکر عاشورایی و جرأت دادن به مردم است.. ۶۳

قیام توّابین و مختار و در نتیجه سقوط بنی امیّه، از اربعین آغاز شد.. ۶۴

در اربعین، افشاگری و تحقّق هدف-های افشاگری وجود دارد.. ۶۴

فصل سوم: شرح زیارت اربعین

فهرست تیترو

هدف و فلسفه ی قیام.. ۷۱

## چکیده

فلسفه ی قیام امام حسین (علیه السلام)، نجات مردم از جهالت و سرگردانی ناشی از گمراهی است.. ۷۱

بشریّت همواره دستخوش شیطنت شیطانهای بزرگ و کوچک است؛ لذا نیازمند یاری صالحان است.. ۷۱

گمراهان و اسیران هوس، ناتوان از نجات بشر هستند.. ۷۲

فهرست تیترو

شرح بخشی از زیارت اربعین.. ۷۳

خلاصه ی نهضت حسینی.. ۷۴

نتیجه ی قیام؛ حکومت یا شهادت.. ۷۷

درخشش روز افزون اباعبدالله (علیه السلام).. ۷۸

جهل و زبونی؛ ریشه ی مشکلات امروز بشریّت.. ۷۹

معنویت، عزّت و عبودیت مطلق در تمام لحظات قیام حسینی.. ۸۱

ثمره ی زنده نگه داشتن پیام عاشورا.. ۸۲

فلسفه ی به همراه بردن خاندان، توسط امام حسین (علیه السلام).. ۸۳

چکیده

در زیارت اربعین دو جبهه ی حق و باطل معرفی شده اند:.. ۷۳

جبهه ی حق یعنی طرف قیام کننده که به دنبال نجات بندگان از جهل بود، و جبهه ی باطل که فریب زندگی، آنها را به خود

مشغول کرد و سعادت خویش را ارزان فروختند.. ۷۳

حرکت علیه حکومت یزید فاسد، ظاهر نهضت حسینی و باطن آن، مبارزه ی گسترده با جهل و

ص: ۹۲

زبونی و ذلت انسان در طول تاریخ است..۷۴

خلاصه ی نهضت حسینی عبارت است از اینکه:..۷۴

۱. قبل از بعثت پیامبر(صلی الله علیه وآله)، بشریت در ظلم و جهل و تبعیض قرار داشت؛..۷۴

۲. با بعثت پیامبر(صلی الله علیه وآله)، نور اسلام ابتدا جزیره العرب را روشن کرد و سپس ب-تدریج گس-ترش یافت؛..۷۵

۳. هنگام رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله) حکومت مستقری بر پایه ی توحید، عدل، علم و محبت وجود داشت، که می توانست الگوی همه ی بشریت در تاریخ باشد؛..۷۵

۴. با گذشت پنجاه سال ارتجاع حاصل شد. اسم اسلام ماند، اما در باطن بار دیگر جاهلیت حاکم شد؛ ۷۵

۵. جانشین حقیقی پیامبر(صلی الله علیه وآله) برای اصلاح جامعه ی اسلامی قیام کرد. این قیام در ظاهر علیه حکومت فاسد یزید و در باطن برای ارزشهای اسلامی و نجات مردم از فساد، جهل و زبونی در طول تاریخ صورت گرفت..۷۷

هدف قیام، مبارزه با ارتجاعی بود که در جامعه ی نبوی پیش آمده بود..۷۷

مظلومیت و شهادت، زبانی است که تاریخ آن را فراموش نخواهد کرد و سخن امام(علیه السلام) را مثل یک جریان مداوم در تاریخ به جریان خواهد انداخت..۷۸

کوتاهی خواص و به تبع آنها عوام، به شکست ظاهری امام(علیه السلام) منجر شد..۷۸

مقصود از بحث عوام و خواص در مباحث عاشورا، این است که چه کسانی، چگونه و چرا کوتاهی کردند..۷۸

عظمت شهادت، در هم کوبنده ی عظمت ظاهری دشمن است..۷۸

امام حسین(علیه السلام)، امام آزادی خواهان و عدالت طلبان مسلمان و غیر مسلمان است..۷۹

امام حسین(علیه السلام) میخواست بشر را از انواع جهل و زبونی برهاند و به انسانها بفهماند که تنها بهشت، بهای آنها است..۷۹

رفتار پیامبر(صلی الله علیه وآله) با مردم خویش، متواضعانه و با امپراتوران آن روز عزتمندانه بود..۸۰

سلطنت و حکومت جائزانه، نقطه ی مقابل امامت است..۸۰

رفتار برخی حکومتها و سیاستمداران امروز، تکبر در برابر مردم و ذلت در برابر قدرتمندان است..۸۰

اباعبدالله(علیه السّلام) از سیل نامه های کوفیان مغرور نشد.. ۸۱

ام-ام حس-ین(علیه السّلام) در غربت بی نظیر کربلا، ذرّه ای اضطراب به خود راه نداد.. ۸۱

در کشاکش بلا و انبوه غم-های عاشورا، عزّت الهی در وجود امام(علیه السّلام) موج میزد.. ۸۲

امام حسین(علیه السّلام)، به بشریت فهماند که باید برای از بین بردن جهالت و پستی مبارزه کند.. ۸۲

یادآوری عاشورا، هدایت جامعه را در پی خواهد داشت.. ۸۲

در کربلا باید حادثه ای اتّفاق بیفتد که عواطف انسانها را در طول تاریخ نشانه بگیرد.. ۸۳

ص: ۹۳

١. الإحتجاج، الشيخ الطبرسي، دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، طبع ١٣٨٦هـ - ق. - ١٩٦٦م.
٢. الإختصاص، الشيخ المفيد، دار المفيد - بيروت، ١٤١٤هـ - ق. - ١٩٩٣م، طبع الثانيه.
٣. الإرشاد، الشيخ المفيد، دار المفيد - بيروت، ١٤١٤هـ - ق. - ١٩٩٣م، طبع الثانيه.
٤. الإستيعاب، ابن عبد البر، دار الجيل - بيروت، ١٤١٢هـ - ق. - ١٩٩٢م، طبع الأولى.
٥. الأخبار الطوال، الدينوري، دار إحياء الكتب العربي - القاهرة، ١٩٦٠م، طبع الأولى.
٦. الأعلام، خير الدين الزركلي، دار العلم للملايين - بيروت، أيار - مايو ١٩٨٠، طبع الخامسة.
٧. الأغاني، ابو الفرج اصفهاني، دار احياء تراث عربي - بيروت، ١٤١٥ هـ - ق، طبع الأولى.
٨. الأمالى، الشيخ الصدوق، مركز الطباعة والنشر فى مؤسسه البعثه - قم، ١٤١٧هـ - ق، طبع الأولى.
٩. الأمالى، الشيخ الطوسى، دار الثقافه - قم، ١٤١٤هـ - ق، طبع الأولى.
١٠. الآثار الباقية عن القرون الخاليه، ابوريحان بيرونى، مركز نشر ميراث مكتوب - تهران، ١٤٢٢هـ - ق، چاپ اول.
١١. التاريخ الكبير، البخارى، المكتبه الإسلاميه - ديار بكر - تركيا.
١٢. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع الهاشمى البصرى، دار الكتب العلميه - بيروت، ١٤١٠هـ - ق. - ١٩٩٠م، الطبعه الأولى.
١٣. العقد الفريد، ابن عبد ربه اندلسى، دار الكتب العلميه - بيروت، ١٤٠٤هـ - ق، الطبعه الأولى.
١٤. الفتوح، أحمد بن أعثم الكوفى، دار الأضواء - بيروت، ١٤١١هـ - ق، الطبعه الأولى.
١٥. الفتوح، أحمد بن أعثم الكوفى، دار الأضواء - بيروت، ١٤١١هـ - ق، الطبعه الأولى.
١٦. الكافى، الشيخ الكلينى، دار الكتب الإسلاميه - طهران، ١٣٦٣ش، طبع الخامسة.
١٧. الكامل، عبد الله بن عدى، دار الفكر - بيروت، ١٤٠٩هـ - ق. - ١٩٨٨م، طبع الثالثه.
١٨. اللهوف فى قتلى الطفوف، السيد ابن طاووس، أنوار الهدى - قم، ١٤١٧هـ - ق، طبع الأولى.

١٩. المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، دار الكتب الإسلاميه - طهران، ١٣٧٠هـ-ق - ١٣٣٠ش، طبع الأولى.

ص: ٩٤

٢٠. المعجم الكبير، الطبراني، دار إحياء التراث العربي، طبع الثانية.

٢١. المنتظم، أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد ابن الجوزي، دار الكتب العلميّه - بيروت، ١٤١٢هـ - ق. - ١٩٩٢م، طبع الأولى.

٢٢. الهدايه الكبرى، الحسين بن حمدان الخصيبي، مؤسسه البلاغ - بيروت، ١٤١١هـ - ق. - ١٩٩١م، الطبع الرابعه.

٢٣. إختيار معرفه الرجال، الشيخ الطوسي، مؤسسه آل البيت (عليهم السّلام) لإحياء التراث - قم، ١٤٠٤هـ - ق.

٢٤. إعلام الوري بأعلام الهدى، الشيخ الطبرسي، مؤسسه آل البيت (عليهم السّلام) لإحياء التراث - قم المشرفه، ١٤١٧هـ - ق، طبع الأولى.

٢٥. إقبال الأعمال، السيد ابن طاووس، مكتب الإعلام الإسلامي - قم، ١٤١٤هـ - ق، طبع الأولى.

٢٦. أخبار الزينات، علامه الجليل ابى الحسين يحيى بن الحسين جعفر الحجهين عبيدالله الأعرجن الحسين الأصغر بن الامام السّجاد (عليه السّلام)، نشر محمد جواد حسيني مرعشي نجفي.

٢٧. أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، دار الفكر - بيروت، ١٤١٧هـ - ق. - ١٩٩٦م، طبع الأولى.

٢٨. بحار الأنوار، علامه المجلسي، مؤسسه الوفاء - بيروت، ١٤٠٣هـ - ق. - ١٩٨٣م، طبع الثانية المصححه.

٢٩. بشاره المصطفى، محمد بن علي الطبري، مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٢٠هـ - ق، طبع الأولى.

٣٠. بلاغات النساء، ابن طيفور، مكتبه بصيرتي - قم المقدسه.

٣١. تاريخ الطبري، الطبري، مؤسسه الأعلمي للمطبوعات - بيروت، ١٤٠٣هـ - ق. - ١٩٨٣م، الطبعه الرابعه.

٣٢. تاريخ اليعقوبي، اليعقوبي، دار صادر - بيروت.

٣٣. تاريخ مدينه دمشق، ابن عساكر، دار الفكر للطباعه و النشر و التوزيع - بيروت، ١٤١٥هـ - ق.

٣٤. تحف العقول، ابن شعبه الحراني، مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٠٤هـ - ق. - ١٣٦٣ش، طبع الثانية.

٣٥. تذكره الخواص، علامه سبط ابن جوزي، مؤسسه اهل بيت - بيروت، ١٤٠١هـ - ق.

٣٦. تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين، المحسن ابن كرامه، مركز الغدير للدراسات الإسلاميه، ١٤٢٠هـ - ق. - ٢٠٠٠م.



٣٧. تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، دارالكتب الإسلاميه - طهران، ١٣٦٤هـ-ش، الطبعة الثالثه.

٣٨. ثواب الأعمال، الشيخ الصدوق، منشورات الشريف الرضى - قم، ١٣٦٨هـ-ش، الطبعة الثانيه.

٣٩. جلاء العيون، العلامه المجلسي، ١٣٢٣هـ-ق، الطبعة الاولى.

٤٠. ذوب النضار، ابن نما الحلبي، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، شوال المكرم ١٤١٦ هـ-ق، الطبعة الأولى.

٤١. رجال الطوسي، الشيخ الطوسي، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤١٥هـ-ق، الطبعة الأولى.

ص: ٩٥

٤٢. روضه الواعظين، الفتال النيسابورى، منشورات الشريف الرضى، قم.

٤٣. زينب الكبرى (سلام الله عليها)، الشيخ جعفر النقدي، انتشارات المكتبة الحيدريه، الطبعة الأولى.

٤٤. شرح الأخبار، القاضى نعمان المغربى، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤١٤هـ-ق، الطبعة الثانية.

٤٥. صله تاريخ الطبرى، القرطبى، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات - بيروت.

٤٦. عمده الطالب، ابن عنبه، منشورات المطبعة الحيدريه - النجف الأشرف، ١٣٨٠هـ-ق - ١٩٦١م، الطبعة الثانية.

٤٧. قاموس الرجال، العلامة محمد تقى التستري، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤١٩هـ-ق، الطبعة الأولى.

٤٨. كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، مؤسسه نشر الفقاهه - قم، ١٤١٧هـ-ق، الطبعة الأولى.

٤٩. كشف الغمه، ابن أبى الفتح الإربلى، دار الأضواء - بيروت، ١٤٠٥هـ-ق - ١٩٨٥م، الطبعة الثانية.

٥٠. كمال الدين وتمام النعمه، الشيخ الصدوق، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٠٥هـ-ق - ١٣٦٣هـ-ش.

٥١. مثير الأحزان، ابن نما الحللى، المطبعة الحيدريه - النجف الأشرف، ١٣٦٩هـ-ق - ١٩٥٠م.

٥٢. مجمع

البيان، الشيخ الطبرسى، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات - بيروت، ١٤١٥هـ-ق - ١٩٩٥م، الطبعة الأولى.

٥٣. مروج الذهب و معادن الجواهر، أبو الحسن على بن الحسين بن على المسعودى، دار الهجره - قم، ١٤٠٩هـ-ق، الطبعة الثانية.

٥٤. مسار الشيعة، الشيخ المفيد، دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت، ١٤١٤هـ-ق - ١٩٩٣م، الطبعة الثانية.

٥٥. مصباح المتهدج، الشيخ الطوسى، مؤسسه فقه الشيعة - بيروت، ١٤١١هـ-ق - ١٩٩١م، الطبعة الأولى.

٥٦. معالى السبطين، شيخ محمد مهدي حائرى، الشريف الرضى - قم، ١٤١٩هـ-ق - ١٣٧٧هـ-ش، الطبعة الأولى. ١٩٩٠م، الطبعة الأولى.

٥٧. مقاتل الطالبين، ابو الفرج على بن الحسين الأصفهانى، دار المعرفه - بيروت.

٥٨. مقتل الحسين (عليه السّلام)، العلامة السيد عبدالرزاق المقرّم، آل علي (عليه السلام) - قم، ١٤٢٤هـ - ق. - ١٣٨٢ش، الطبعه الأولى.

٥٩. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، المكتبة الحيدريه - النجف الأشرف، ١٣٧٦هـ - ق. - ١٩٥٦م.

٦٠. نهج البلاغه، خطب الإمام علي (عليه السّلام)، دار الذخائر - قم، ١٤١٢هـ - ق. - ١٣٧٠ش، الطبعه الأولى.

ص: ٩٦

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

